

این که مالک الرقاب نمایند، چه جهت دارد که رواقی نمایند که دوائر و مستخدمین داخله یکسال دو دو سال و سه سال بجزئی مواجب و حقوق خود نرسند و بلژیکی ها ماه نماه مواجب و مدد خرج های گزاف هر پیود و مصاری خارجه دهند. و هرچه میخواهند بکنند مصادر امور یکی بمصارف چندساله کشتی ها و دیگر تعمیرات و ایستگاه آقان الی یکی ها میگویند کرده اند و یکی دیگر این که چه به داخله و چه بخارجه و معاش در داخله را به یک خارجه داده اگر یک رسیدگی می فرمودند خیلی نتوانستند شکست میشد حالا دو دفعه است که در محرم اداره کربک دولت ایران را بری ایستگاه (خانه) رئیس کربک وارد شده. درمچو سه صد مسم که فی واقعیتش نظر سیاست آیین بسته و جراتان نموده اند. اندک تصور نکرد و نمی کنند آخر این ها تاجه درجه ناند مصداق اعمال باشد از طرف خودمان را دل خوش کرده نامه قنوت از شاه و وزیر، خانه و حی پشته ایان دین و حراند ملی و غیره سبب ختبار و آزادی میباشم و از طرفی احب را تا بن ها محترم و مسلط می ساری.



شیراز

(ز سره جادی لالی)

ایستگاه از ورود ایالت در ششم ع ۲ سپیدی هتید، نامه هم تحسب عام تبطا و مساجد در خصوص امور وانه مانی اند اندا کر چه در واقع مشغول کار بودند تا این چند فقره دردی در نزدیکی شهر واقع ملک شهر م ساعت کرد و یک خانه را هم در شهر بسرمت بردند. در هم بلنبره مردم مایوس بودند بجز امتنان شده نه ایات را شخص مدر غافل هانی بداستم. تا روزنامه هم ع ۲ در ساعت همت از روز بی اقوام را دستگیر نموده زنجیر بگردن آن ها گذارد خلاصه اش این است \*

بتوسط حاجی بصیر دیوان که واسطه بود بین حصرات و ایالت مابین طریق عمل حتم شد که نیابت ایالت را بدهد قوام الملك. نصرالدوله هم علاوه بر ریاست فزون ایل خسه و جهرم و

لارستان و فسا، و غیره را عهده بگیرد و صوات الدوله را حکومت دستگیر و ضیفم لدوله را ایلمجان قشقان نماید، بواسطه امینان حکومت بی القوام حاضر بودند که دختری هم به ایالت بدید تا امروز در ساعات همت قوام الملك زده نماند بجهت ختم عمل رفت. ایالت اورا همه ساحت تا یک خود قوام فرستاد بمصر الدوله را طلبید او هم آمد بعضی ورود ایالت اشروع کرد تغییر تودن، نصر الدوله و صربه گرواری اوداد، قوام عرض کرد بمصر الدوله تصیر بدارد، بی ایالت عصف. چه بطرف قوام نمود که دولت با شاه بقدر هم راهی نزد شاهچه کردید. عاقبت عدلیه اسم را اعارت دادید و بجهت پیود را غارت کردید، و اشاره بمذقوام را هم گرفته و زنجیر کردند، فردا عصر ویران ایالت را به تلگراف حبه طلبیدند گویا اول سوال صورت شد که میخواهید این اقدام بکنید چرا کانه را ممانه بردند. گویا چنین جواب داده اند که چون راجری ادارات کابینه امینان بداشت مابین داسه اطلاع ندادم \*

ماری اگر شاه هم شرح دهم که چگونه در مقام دست گیری آنها را همه نمود که هر دو محصور ایالت آمدند کلام به درازا کشند، ز آن به بعد از دو طرف تلگرافت عهده به مهران و سایر ولایات شد. یک طرف بستگان بی اقوام که ماجاه و بیادشان منحصر به سردار اسعد است و آن طرف دیگر واضح است که چه اشخاصی هستند. مدعیان همه حا تلگراف نموده که فشار بطهران بیاورند و از وزارت داخله حکم مجازات بگیرند. و در شهر هم آن عده که خود را مشروطه خواه میدانند، لاین از مشروطه هیچ چیز نمیدانند و میخواهند نخر مدار زدن بی القوام همه روزه فشار به انجمن ایالتی می آوردند و ه جاسه تلگراف به کلینه میکردند \*

روز پنجشنبه گذشته عده کنیری آمدند صدا ها هم به یا علی یا علی مثل زمان سابق و دوره استبداد بلند کردند و جدا مجازات بی القوام را حواسند در واقع وقتی که تصور میکند انسان بی القوام قسمی در این دوره حرکت کرده اند که انسان هر قدر دوست آن ها باشد نمی تواند اظهار همراهی با آن

ها بکند اگر چه محرمانه تلگراف که از بعضی خواص شهر به همراه قوامین مخبره شده که شاید بدین مضمون باشد ، « ایالت ... خیال مواصات با ردار عشایر دارند و در صدر استقلال فارس هستند » باری از همه گذشته این ایالت بسیار آدم دبر عالی ما فوات با شجاع مرجه لازمه ایالت است بدرجه اکل داراست ، با وجود این همه اغتشاشات فارس امروز ۲۴ روز است وارد شهر شده یکسری را هنوز مجازات کرده با وجود این شهر و توابع در نهایت انظام ، عسکر حث عرب همه قسم اظهار اطاعت ، و هکذا سایرین ، هنوز ابوالخمی و حکومت های حزه معین شده البته بواسطه آمدن سردار عشایر در این هتد معلوم خواهد شد رئیس انجمن بلدی حکیم انبالک استعفا و قبول شد ، اداره نظمی هم با عطاءالدوله ، اگر چه رئیس نظمی از طهران بیرون آمده است \*

( این از بوشهر )

گرفتاری پسران قوام شیرازی

زمانیکه ایالت در کاذرون بود بوسه تلگرافات محبت آمیز بقوامین می نمود هر چند قوام از نیابت استعفا نمود پذیرفت و بلاصاحب خیل وی را رام می نمود و به ایشان چنین وانمود که کان نکنید که من در شیراز مندی هستم بلکه باید برای تمسیت و تامین با اردوی سیار حرکت و همراه باشم فقط چند روزی در باغ تخت خرواه ماند شا بالاستقلال نایب الایاله ، و نصرالدوله رئیس قشون خواهد بود ، غالباً در مرض رام بین ایشان همین قبیل مذاکرات بود تا اینکه ایالت بی خبر وارد باغ تخت گردید ، هموم اعیان و اطام در همان جا بدیدن و عرض تبریک آمدند حضوراً و عیاباً خیل ملاحظت و اظهار محبت و مهربانی نسبت بقوام و نصرالدوله نمود ، در خلوت با ایشان مشورت میکرد و کسب تکلیف می نمود ، چنین بین ایشان تصفیة شد که نصرالدوله با جمعی از اردوی سیار برای سرکوبی و کوش مالی اخذ مطالبات از خیل عرب برود ، چهار روز ازین قضیه و ورود ایالت که گذشت در دوفرسنگی شیراز در تنگ سمدی قافله زیادی که بشهر می آمدند با برفتند غارت نموده جمعی را کشته و زخمی نمودند این خبر که به ایالت رسید فوراً نصرالدوله را با چندین سوار به تعاقب غارت گران فرستاد و حکماً

اموال مسروقه و سارقین را از او خواست ، نصرالدوله رفت و بعد از یک روز مراجعت نمود نصف نخواه را با خود آورد و گشت دزد مسا از اتراک و دند ، فرار کردند .

ایالت بعد از بخره ز توقف در باغ تخت بشهر آمد و جداً به نصرالدوله عقب کرد که باید فردا بسمت ماهوریت حرکت کنی ، متعذر شد که مال باید بماند ، بعد از ده سه روز دیگر همین که مال عاید شد میروم ، اداره بلدی چند راس قاطر برای حرکت نصف نعام و نس فوج مخصوص که بشهر هستند مینا نمود ، قاطر مسا را نمود نصرالدوله فرستادند که این مال حظه دیگر چه معصی دارید ، مقرر شد که فردایش حرکت کند فردایش که روز شنبه بود اول قوام بحضور ایالت میرسد صحت ، قنات بسیار نسبت بهی اخبار میشود و میگردد که می خواهید اطراف کرمان بروید ، نصرالدوله می باید فردا بسمت ماهوریت خود حرکت کند تا این همه ذرت کار و مشاعل در شیراز تکلیف من چیست ، و معین من کیست ، این همه اداره جات و مشاعل عمده و کار های قشونی را یکی محول تمام ، آیا نایب شما در اینجا کی میباشد ، بهتر این است همین حالا نشینید و تکالیف امور را معین کرده بسلامتی تشریف ببرید ، قوام می گوید حالا بروم و با نصرالدوله گفتگو نموده بعد از نهار مراجعت کرده تکلیف را معین میکنم ، قوام از حضور مرخص شده نصرالدوله می آید تا وسیع همین گفتگو میشود او نیز میرود که بعد از ظهر مراجعت نماید ، در موقع موعود اول قوام حاضر می شود بعد از قدری گفتگو ایالت عقب میکند که باید نصرالدوله هم حاضر شود ، بالاخره او نیز در اراک حاضر میشود همین که هر دو در یک جا مجتمع میشوند در های اراک را بروی خود بسته می بینند هر دو آقایان در یک اطاق با دو اطاق با زنجیر یا بی زنجیر محبوس گردیدند ، این خبر که منتشر گردید همه مهوت و حیران شدند ، هیچکس کان نمیکرد که بتوان باین آسانی آنها را گرفت ، کسی یاد نداشت این دو نفر باهم نزد ایالت حاضر شوند در آن شب ساعت یک جنان کوچها خلوت شد که گویا متنفسی در این شهر نبوده است ، از قرار

شیخ محمد باقر مثل آفتاب واضح و روشن است تمام علماء حکم قتل و تکفیر مرتکبین را نموده اند دیگر لازم باستنطاق نیست ، ایالت گنبد حلا استنطاق موقوف باشد تا از طهران جواب سئوالات من برسد بشما اطلاع خواهم داد ، اکنون مردم متفرق شهر در کمال امنیت و انتظام می باشد \*



کازرون

مره ری - مع الاول ایالت فارس آقاب نظام السلطنه وارد کازرون شدند ، مدت یکماه در آنجا توقف داشتند تمام آنصنجات و حدود منظم بود ، در آن ایام بی اعتدلی از خورشید کارجی مشاهده شد محمد علی خان ترك كشكولی از طایفه قشقان و نور محمد خان دشتستانی و بعضی دیگر را امر شد که بقریه کارج رفتند ، خورشید را بدست آرند ، لیکن آنکیدات آکیمه ایالت فرمودند که اموال رعیت آنقریه را بغارت نبرند و حفظ نمایند ، محمد علی خان با دو مراده توب از سمت شمال کارج داخل شد با جماعتی اردوی ترك و نور محمد خان از سمت جنوب کارج داخل شد با جماعتی اردوی دشتستانی مدت یکماه بطول انجامید تا طاقت پس از کوشش نور محمد خان خانه حیدر خان را با برج او بتصرف درآورد ، از طرف شمال هم اردوی محمد علی خان ترك وارد آبادی کارج ، تمام خانهها و برج را متصرف شدند الا خانه خورشید که برج محکم داشت و خورشید با جماعتی در برج محصور ماند که راه بر او مسدود بود ، اردوی ترك اطراف خانه او بودند احدی کان نداشت که خورشید بتواند از برج خارج شود چه جای آنکه از صحرای کارج بیرون رود بالاخره شبهنگام خورشید با اتباعش از برج بیرون و از میان اردو خارج و از صحرای کارج بدر رفت اغلب مردم میگویند که او را راه دادند که بیرون رود و الا قوه بیرون رفتن نداشت و جماعتی که در اردو بودند اظهار نمودند که عدل نام غلام محمد علی خان آمد خورشید را اطمینان داد و با اتباعش از برج خارج نمود ، و از میان اردو بیرون برد ، تا بیرون شد از شك کارج در آنجا از یکدیگر مفارقت نمودند ، پس از بیرون رفتن خورشید خانه او را بتصرف درآوردند اموالش چهقدر بوده بموم و صبیح

معلوم دو نفر در طهران خبلی برای استخلاص ایشان سعی بودند ولی کاری از پیش نبرده اند ، میگویند قونسل انگلیس هم خبلی برای استخلاص ایشان سعی است \*

سه روز بعد از گرفتاری ایشان این قدر عارض از دست قوامیان شکایت آوردند که نهایت نداشت ، پسرهای مرحوم آقا شیخ محمد باقر شهید ادعای خون بدر دارند ، ورنه مرحوم سید احمد معین الاسلام ادعای خون و سوختن نعش آن مرحوم دارند ، اهالی لار ادعای بی پایاب دارند ، همه به طهران تظلم نموده اند جواب رسیده هر کس ادعائی به ایشان دارد در عدایه نابت کند و از آنها بگیرند ، رئیس عدایه هم اعلان کرده هر کس هر حقی و گفتگویی با قوامیان دارد در عدایه حاضر شود تا ایشان را استنطاق نموده حکم صادر گردد \*

( خوبست اولاً خود عدایه ادعای آرو و غارت اموال و هتك شرف خود در آنجا نماید و بعد بدیگران بپردازد ) دو روز بعد از این قضیه غلام حسین خان كشكولی با اجزاء خود و چندین سوار دوانی مامور گرفتاری محقق کلانتر ایل عمه شدند زیرا که غاب دزدیها با ایشان نسبت میدهند ، وقوع این کار خبلی مهم نظر می آمد ، ولی در عرض راه پسر و برادر محقق مذکور بقتلاً مصادف و گرفتار شده بشهر فرستاده شدند ، خود بجنف قلی هم از گرفتاری قوامیان و پسر و برادر خود اطلاعی نداشته بیای خود بچادر غلام حسین خان آمد بدون نزاع و زحمت او را گرفته خانه او را غارت نمودند و بشهر آوردند \*

در خود شیراز چند نفر دیگر من جمله مجدالعلماء فیروز آبادی و معین الاسلام بهبهانی گرفتار گردیدند ، مدبر السلطنه که حامی قوامیان بود از شهر خارج گردید ، عطاءالدوله که مخالف با قوامیان ، بیگلر بیگی و رئیس نظمیه شد امروز هم چند دار در میدان نصب کرده که چند نفر را مترس قرار دهند \*

در عدایه ورنه مرحوم شیخ محمد باقر حاضر شده نظمیهای منحل نمودند که خلاصه آن این است \*

چون قضیه ناگوار شهادت مرحوم

نست ، فعلاً خورشید با جماعتی شب و روز در اطراف کازرون میگردد ، و هر مالی بدست او میآید میبرد ، تمام اهالی کازرون از شر او در عذاب و از جاب و مال این بدشمنی و کار مردم بسیار سخت است ، در چند یوم قبل آقای حاجی امیر المک که حاکم دشتستان ، کاررو است ، وارد و مشارک المالك از کازرون روانه شده و آقای حکمران ناصر دیوان کلانتر جماعتی را معین نموده که شهر کازرون و اطراف را محافظت و حرق و شوارع را حراست میکنند اکنون دسته خورشید سر راه آمده بلاء کند قایل مال حاجی عوض بسرقت برند حاجی عوض مانع شد ، او را به تبر زدند وفات یافت ، چنانچه دفع او را نمایند قننه عظیم بر پا خواهد نمود که سد حرق خواهد شد \*

تدیس نام ارمنی شرازی که دین مسیحی داشت و تلگرافچی دولت شده است دو یوم قبل هدایت بدین حقیقت اسلام شده و بشرف دین اسلام مشرفه گشته ، و شهادتین و زمان جاری بوده زن مسلمة بقتل او در آمده \*

در شهر ریج الاول که آقای نظام السلامه وارد کازرون شده ، مفیث الدوله حسب الامر حضرت ابالت ماهی چهل و هفت تومان از توابع کازرون محلی از برای مخارج شهریه و مدرسه جدید کازرون معین نمود که هر ماهه رسد ، باعانت حاکم کازرون و کلانتر ، حاکم کازرون چنین گفته چون محلی که معین شده از روی میل و رغبت نخواهند رسید ، و مجبور باید گرفت نخواهم اقدام در وصول این وجومات نموده چنانچه نخواهند مدرسه بجهت دست اعتنا باشد ، محل صحیحی معین نمایند که هر ماهه بدون زحمت مدرسه برسد و مدرسه باقی بماند ، لهذا امر مدرسه معوق مانده و چون مدت پنج ماه است که دیاری معلمین رسیده و مبالغی مقروض شده در امر خود حیران مانده اند از قراریک اظهار می نمودند بنا دارند مدرسه را تعطیل کنند و متفرق شوند .

نگارنده بی غرض و من خواهم معین حق گوی بی بضاعت عرض می نماید ، از کازرون و توابع آنست که موضوع شده تحقیقاً سالی شصت هزار تومان مالکین آنست میبرند و بقدر يك دينار فایده

بجهت دولت و ملت ندارد و هر گاه اولیای دولت و ملت نخواهند که بنای خیر عمومی مدرسه را بگذارند ممکن است که محلی از خود بلد کازرون یا یکی از توابع معین کنند که اقلاً سالی شصت تومان که ماهی بجهت تومان باشد بمدرسه برسد ، و الا غیر از این باشد صورت صحیح نخواهد پذیرفت \*

حال ما ایرانیان ظاهر است که هر گاه صرفه راجع بشخص خود مان باشد ضرب تبر و نیزه و خنجر و شمشیر میگیریم ، بگوشم بعدالت کار کرده ایم و هر گاه صرفه شخصی نداشته باشد و فیض عمومی باشد مقدس و متشرف میشویم ، و حال آنکه در بسیاری موارد است که اگر حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله میبود مردم را اجبار می فرمود در اتیان بآنست ، این است حال ما و کردار ما ؟ چگونه مورد لعن پیرو و نصاری و هندو نشویم ؟ ناری بکنند حق گوی بیچاره ، بشنید و صبر پیش گیرد و از خداوند متعال مثلت بماند \*



حسن ماقبت بنادر خلیج

عموم اهالی بنادر با قلبی بر از شوق و شغف مجاهدات حالصانه خیرخواهان و من رادراستعجال بنادر از جنگال مفسدین مذک تشکر می باید ، بحقیقت اگر از طرف خیرخواهان وطن که آینه خیالات ملت اند در اظهار دسائس و قبایح اعمال خائنین آن همه اصرار نشده بود اولیای دولت مابن زودی عطف توجه به بنادر نمی نمودند و دوره ذلالت مآبی خانه پذیر نمیشد ، و مسلماً سرحد معتبر مملکت که منظور نظر و محل توجه جمیع دول عالم و سیاستپون است بسوء ماقبتی دوجار میگردد و حالت خلیج خیل بدتر از دریای خزر برای دولت و ملت ایران میشد ، چیزی که کافه اهالی را امیدوار گردانیده تعیین جناب موقرالذوله بحکومت بنادر و اقدامات آن واد مردم غیور در اصلاحات مملکتی و ترقی و شئونات دولتی است ، این حسن انخایرا که از آغاز مشروطیت تا کنون برای بنادر مترصد بودیم از جمله نهایی الهی است و ما کمال امیدواری بشارت حسن استقبال و سعادت آتیه بنادر بآن اداره ملیه و عموم ملت و ترقی خواهان تبلیغ مینمایم ، آن اداره ملیه از مراتب کفایت و درست کاری

( قوه نظامی بوشهر )

نجم شهر ج ۱ ظفر نظام رئیس و صاحب منصب فوج مخصوص باسبند سر بازرشید با لباس عهد و نظام کامل وارد بوشهر و در دارالحکومه استجاری رفته سلام نمایی دادند. چون سر باز خانه بکلی منزله و مخروبه و قابل سکنا نبود در چهار برج که دارالحکومه و از برکت اهال دریا یکی خراب و قریب از بند ولی بالنسبه بهتر از سر باز خانه است مسکن گرفتند قریب سیصد نفر دیگر در رازجان ماندند. معلوم نیست برای انتظام دشتی و دشتستان توقف نموده اند یا اینکه بساخلوی سایر نادر خواهند رفت رئیس آت ما جناب ظفر نظام از جناب حاجی امیرالملك نایب الحکومه دشتی و دشتستان میباشد. چیزی که قلب ملت را میخراشد آنستکه غالب افراد فوج مخصوص مبتلا بمرض وافور و تریاک هستند در جانی که دولت سعی است افراد ملت را از ارتکاب این عمل شنیع مهلك باز دارد چگونه صاحب منصبان و ارض هستند که افراد سر باز مشغول این کار باشند با کمال امداد و اریه از ظفر نظام و جناب موقرالذوله درخواست میبایم در جلوگیری این کار خطرناک سرمازان سعی جمیده بکار برند و بهوض تریاک کشی افراد سرمازرا بمشق نظامی و ادار سازند بدو از همه آنکه قزاقها نیز این مرض ماگوار مبتلا هستند و این فوج که ممتاز ترین افواج دولتی است نیز از مضرت تریاک کشی بی بهره نیست از حسن توجه نقادین نقایص ملی امیدواریم در اینخصوص اولیای دولت را متذکر نموده هر چند زودتر جدا در جلوگیری این مرض مزمن بین افراد ملت خاصه افراد نظامی سعی جمیده و اعمال نافعه بکار برند. تا رکن از این مرض را تشویق نمایند، امتیاز دهند مرتکبین را مجازات نمایند. شاید کامیاب و افراد عسکری بحال ملت نافع شوند.

( بلدیة بوشهر )

بعد از قتل و شهادت معاون نظمیه که در واقع در راه اجراء قانون نواقل برای اداره بلدیة فدیة گردید اداره بلدیة از کار افتاد و قهرا تعطیل شد اجزاء آن دل افسوده گردیدند و اقدامات خود را که نزدیک بود شهر را روشن نماید و قریب دوپست جبراع اهل درست نموده ناقص گذارده. منتظر

و حسن نیت جناب موقرالذوله بمناسبت امتحانات که در ماموریت های متعدده در دوره غیرقانونی ظاهر ساخته اند بخوبی مسبوق است. ولی نشر نظریات و عملیات فوری این شخص معظم که از وظایف اولیه ایشان است برای سر مشق دیگران و تشویق ایشان خالی از مناسبت نیست.

اولاً اینکه همین جزئی قوه حاضره تمام همشان را مصروف اعاده امنیت عمومی که استقلال ملیت مان بدان منوط است نموده و تا اندازه کامیاب شده اند.

ثانیاً در رفع خراب کاریهای موجوده که اثر اعمال مبشومه سابقین بوده بذل جهد میبایند. ثالثاً برای اجراء قوانین به تحصیل ملت یک نظامی که مجتهد انتظام کلیه با امر کافی باشد اقدام دارند.

و ابعا در ارتباط کلیه ادارات خصوصاً ارتباط اهلی حکومتی بمرکز سعی هستند.

خاصاً ما جدی وای مصمم اند که اداره بلدیة که روح مدیبت و عمران و اسباب حفظ صحت و زندگی اهالی ومدتی است ایجاد گشته. ولی ازین مسامدنی خائنین کالعدم بوده و مرکز حکومت و سایر بنادر که محل توجه و انظار خارجه است تقویت نماید. پس از ارتباط اداره حکومتی بمرکز و رفع موانع و حصول اعضاء صالح و وضع و تدوین قوانین شعب سایر ادارات و تعیین حدود و تکالیف مامورین بخواست خداوندی با عزیمت ثابت و بیق صادق مشغول احصاء وظایف دوره تجدید خواهند شد. و بمجرد حصول موقع و وقت موافق حالت حاضره و مقتضای زمان باکمال حزم و احتیاط اقدام در اهالی که مستلزم فوائد نوعیه و منافع ملیه است خواهند فرمود. فعلاً جمیع مامورین حایبه دولت. حکومت. کار گذار. رئیس نظمیه. رئیس مالیه. و سایر مامورین با کمال اتحاد و و داد مشغول انجام وظایف دولتی خود هستند. و این همه از حسن نیت و کفایت جناب موقرالذوله میباشد. امیدواریم که این احکام درست کار مادل سالهای سال برای اهالی باقی و مشغول اصلاحات بوده باشد.

اقدامات حکومت جدید و مجازات قانون و منسبین شدند، حکومت نیز از بدو ورود در این خصوص خردت تضائل نموده مرآین را تمام دستگیر و منتظر دستور از مرکز و موقع مجازات ایشان میباشد. رئیس نظمیته را نیز با کمال امد و اریه بمحدمات دولتی و ادار فرموده ولی معلوم نیست اداره بدیه را دیگر چه عذری باقی مانده که با وجود تاکیادات و همراهی نامه حکمران معظم هنوز تعطیل و بکار هیچ لازمه و نظیف شهر در ان موقع هم که شردنه ماخرشی طاعون روز کرده اقدام نمی نمایند. تا اینکه از طرف اداره حکومت مشغول نظیف شهر شوند. ما از جناب آقا سید حسین رئیس بدیه حتمی هستیم که ما همان حرارت وطن خواهی و اقدام مجده حقوق را عنیت دانسته در زمانت حکومت طیده وطن خواهانه آقای موقرالذوله جدآ مشغول کارگرفته ما هنرم وای شهر بوشهر ~~ص~~ در انظار خارجه اولین بندر معتبر است صورت مدنیت و ایاس حرانیت بیوشد و گوش بسعدان واهی عوام کالالعام ندهد. و از خداوند متعال توفیق طلب نموده مانند این حکومت عامل درستکار مشغول خدمات وطنی گردد.

( انتظام اداره پست خانه )

از زمان حرکت جناب سروش الملك رئیس پست بنادر برای انتظام قاسدا و دستور العمل ایشان و ماموریت مخصوص دیگر تا بحال هر هفته متوالیاً دو مرتبه قاسد سلامت وارد و خطوط شیراز مرتباً هفت روزه بوشهر میرسد این ماموریت جناب سروش الملك و انتظام آمد و شد قاسد اگر دوام کند شایانسی تحریف و تمجید و الحاق این شخص وطن خواه خیل مایل ترقینات دولت و ملت و جدآ سعی در خدمات دولتی و ملی مخصوص تشریفات بوده و خواهد بود.



قل از روزنامه شریفه عصر منطبعة طهران

بانک شاهنشاهی ایران

( ملت ایران بیدار شود نایندگان ملت بخواند )  
از قرار مسوع شیخ محسن خان مشیر الدوله مرحوم حق تقییش را بیساک شاهنشاهی و آکذار نموده است

ولا در حالتیکه بموجب فصل سوم و چهارم امتیاز نامه بانک شاهنشاهی، بانک ملتزم شده است که فقط بقدر خمس سرمایه خود حق نشر اسکناس را دارد و در مقابل وجه الضمان اسکناسهای

منشره باید يك ثلث نقد و دو ثلث دیگر قرص طلا و نقره در خزانه خود موجود داشته باشد و حال آنکه خیلی بیشتر از سرمایه خود اسکناس انتشار داده و در مقابل هم گمان نمی کنیم بقدر کفایت در خزانه بانک وجه الضمان موجود باشد

لا محاله این از مساعده و غفلت اولیای امور است ما میدایم اسکر یک وزیر از حفظ حقوق ملت مساعده و غفلت کند چون باز خواست و مجازات نیست چگونه حق ملت محفوظ بماند

مادامیکه نه باز خواست در کار بوده و مست و نه هم مجازات، پس تذبذب اولیای دولت و نایندگان ملت حالیه این است که اولان نمایند چون حق تقییش از بانک شاهنشاهی بر داشته شده است لهذا ملت بداند که دولت علیه ایران ضامن اسکناسهای بانک بوده و نیست

انیاً - ر حسب فصل بجم و هنتم امتیاز نامه بانک شاهنشاهی ملتزم شده است که بعد از معمول شدن نمبر دولتی بانک بجهت پور است که تمام اسناد و روات خود را به نمبر دولتی برساند

نمیدایم ملت مجری شدن این فصل چیست و از اجرا شدن این فصل مسلم است که ضرر کلی بدوات و ملت باید میشود

نائماً - در فصل هنتم ملتزم شده که هر ساله از منابع خاص خود صدی شش بدوات علیه باید کارسازی باید و هرگاه در یک سال ضرر کرده باشد بجهت پور است که چهار هزار و ایره انگلیسی بدوات علیه کارسازی نماید

حالا ۲۲ سال از تاسیس بانک گذشته نمیدانیم حصه دولت علیه از روی دفاتر بانک سالی چند هزار تومان بوده، توسط کدام مامور دولتی بدوات رسیده.

مانظر بوظیفه وطن خواهی مکرر در مکرر بصدای بلند نظر دقت نماید کان ملت را جلب میکنیم که چند نفر منتش امین درست کار و ایران دوست انتخاب نمایند که بدفاتر بانک رسیدگی نمایند تا حقوق دولت و ملت را معین نموده.

تنزیل سال سال دریافت دارند مامورین دولت سابقاً و حالیه فقط سالی پنج هزار تومان کنز یا بیشتر از دولت گرفته می گیرند که این فصول امتیاز نامه فوق الذکر بموقع اجرا گذارد شود بیچاره دولت این حقوق را ناد است و فصول امتیاز نامه هم بموقع اجرا گذاشته

نشده است

و اجاباً - در فصل دوم امتیاز نامه بانک شاهنشاهی ملتزم شده است که جمیع قوانین مملکتی را محترم دانسته و اطاعت نماید و هرگاه اختلافی مابین بانک با دولت یا سایر مردم ظهور کند باید خرفین حکم منتخب نمایند و آنچه حکما تصویب کردند حکمشان بدون بر کشت اطاعت شود. ولی متأسفانه بیست و دو سال است این فصل امتیاز نامه هم در اکثر نقاط ایران بجزی نشده و مات شاهنشاهی نمود از این فصل عموده و توسط وزارت با قوسول کری های انگلستان دعاری خود را عمداً و جبراً پیش بر داده است و زری خارجه ما نیز شکایف لازمه خود عمل کرده اند

\*\*\*

### تذکرات راجع بایران

۱ (مستر موتینگو) در جواب سؤال مستر دیلن اظهار داشت که هشون انگلیس که در خلیج فارس و مکران برای جلوگیری از اسلحه قاچاق رفته بودند مقضی المرام شده اند، علاوه بر اینکه بسیاری از اسلحه قاچاقی را ضبط عموده اند، اعانه که در سواحل برای تجارت اسلحه آمده برا گنده شده اند، مصارف این اردو کثی دویت هزار رویه تخمین شده و بر خزانه هندوستان تحمیل خواهد گردید \*

۲ روزنامه روس می نویسد در خصوص راه آهن شمالی ایران بین آلمان و روس شروع بمکاتبه شده این مراسلات در حال ابتدائی و بزودی می ختم نخواهد شد ولی امید است که بطریق دوستانه و متجددانه تصویه یابد \*

۳ کران (یت) در پارلمان انگلستان برستی نمود که بر طبق عهد نامه ناچین که تریاک هندوستان موقوف خواهد شد چه ندرکی دیده شده است در خصوص تریاک کهای که از دول ساره وارد چین میشود (مستر موتینگو) جواب داد که حکومت هندوستان را عقیده این است که در خصوص تریاک ایران و عثمانی که بچین فرستاده میشود همان قرار داد چین که در سال ۱۹۰۷ برای جلوگیری از تریاک شده کافی است \*

در سنترال ایشیاتیک سوسیالتی لندن (انجمن وسط) آسیا (مستر لویت فریدر) در ضمن نطق خود منباب تجارت با جاز اسلحه در خلیج فارس بیان نمود که این تجارت را مدوا خود انگلیسان مؤسس بودند نهایت این است که از پنج سال باین خرف فرانسویها دست بالارا گرفته اند این تجارت مجردی که

نگرانی دریا کم شود باز قوت خواهد گرفت راه موقوفی این تجارت این بود که دولت انگلیس با فرانسه قرار دادی دوستانه بدهد حالا که باین اصول رفتار شده هرگاه مجدداً مسئله تجارت اسلحه قاچاق در خلیج فارس قوت گیرد نباید بحکومت هند الزام داد چه تصور بر حکومت انگلستان وارد است که چرا دوستانه با فرانس تدارک جلوگیری تجارت اسلحه قاچاقی را در خلیج نموده، غالباً دیده شده که معاملات راجع به هند در لندن بجای آسیر تخریب می پذیرد، در این مجلس (لورد منتو) فرما فرمای سابق هندوستان نیز رونق افروز بود \*

۴ بواسطه اینکه قونسل انگلیس در شیراز یکی از خندان قوامرا که هشتم می در آن جا آمده و بناهده شده حفاظت می کند اهالی را هیجان عظیم دست داده بازارها را بسته و قونسل خانه را محاصره کرده اند ولی کمان عبود که بقونسل خانه حمله نمایند \*

۵ وکیل (مارا اولکم کپان) که شخص انگلیسی بود و از کاشان بجانب اصفهان بیرون رفت در بین راه دزدانش لحت عموده سلامت وارد اصفهان گردید سنیر انگلیس در این باب یاد داشت بدولت ایران تقدیم عموده است \*

۶ سرادورد گری در جواب مستر ویچ ادور من باب بلوچستان شرح لشکرکشی فرمانفرمای کرمان بر سر بهرام خان سردار بلوچ که بانی دولت ایران بود مفصلاً بیان نمود و اظهار داشت که این لشکرکشی فرمان فرمای کرمان اقتدارات اوایه دولت ایران را در بلوچستان تجدید خواهد نمود ۷ فرمان فرمای فارس بجواب قونسل انگلیس مقیم شیراز اظهار داشته است که تا وقتی قوام در قونسل خانه باشد از اسکات و آرامی اهالی شهر عاجز است. ولی قونسل انگلیس باین جواب امری نداده است \*

\*\*\*

### (جبل المتین)

بموجب اطلاعاتی که بداره رسیدم شامزاده جلال الدوله فرمانفرمای کرمان و بلوچستان با کمال حزم در امنیت بلوچستان کوشان و سردار سنید خان بلوچ باضاعت دولت سر تسلیم خم و بهرام خان سر کوبی کامل شده، گویا مصمم اند که تامینی بانگلیسان داد. نیز برکت خان را بجاشک و بیابان عودت دهند یقین است دولت اقدامیکه در امنیت بلوچستان نماید دائمی خواهد بود نه موقتی.

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HABLUL MATIN OFF  
4, MEDICAL COLLEGE STREET  
CALCUTTA.

ولا حق الخلا برون بدون قبض ندارند و اولی که  
( شماره ۴۰ را قبض نمودن سال بعد هم دست نیافتد )  
( نما فدان روی فضاخته نمیدرد )

( قیمت اشتراک )

سالانه -- شش ماهه

( هند و برمه )

( ۱۲ روپه --- ۷ روپه )

( ایران و افغانستان )

( ۴۰ قران --- ۲۰ فرن )

( عمانی و مصر )

( مجیدی --- ۳ مجیدی )

( اروپا و چین )

( ۳۰ فرنک --- ۱۶ فرانک )

( روس و ترکستان )

( ۱۰ مانت --- ۶ مانت )

نامه مقدسه

# المتین

سنة ۱۳۱۱

مراسلات مخصوصی بدون امضای

( معروف اداره درج نمیشود ) ( ۱۰ مانت --- ۶ مانت )

( کلیه امور اداره با )

مدیر کل مؤبدالاسلام است

( هر دوشنبه طبع )

( و سه شنبه توزیع میشود )

( یوم دوشنبه )

جمادی الاول ۱۳۲۹ هجری

( مصادف با )

۲۹ می ۱۹۱۱ میلادی

در این جریده از هر گونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود  
( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

باز آمار خرابی در مرکز

ناگوار ترین اخبارات تلگرافاتی است که از طهران در این دو هفته اخیره انتشار یافته و چنان ظاهر میدارد که باز در مرکز آمار عدم اتحاد بین وزراء نمایان است . مسلم است تا رفع اختلاف از مرکز نشود نمی توان توقع امنیت و آرامی از فضاوت دور دست داشت . تصمیم وزارت به گرفتاری رسول زاده سردبیر روز نامه ایران نو از طریق غیر مستقیم و آن مباحثی بدینا خیلی ما را متاثر میسازد چه در صورت قصور باطریق مستقیم جلب یک دیر روز نامه هیچ دارایی اهمیت نه بود . از طرف دیگر خریداری تفنگ از روسیه بدون اجازت از مجلس اتونسی بدور و نزدیک نتواند بخشید . خصوصاً در موقعیکه نامه ایرانیات از اجتماعات روس بستوه آمده بواسطه مختلفه در باشکوت امنه وی کوشاند این اقدام وزراء ولوقرین مصلحت هم بوده چندان اتونسی نتواند بخشید . علاوه بر این کان عبرت با آن زحمیکه از دو سال باین طرف دولت کشیده و طاقت استقراضی حاصل نموده و بمجلس هم قبولانید . در هر چگونگی معارف و اختیارات بین وزراء مناقشه پیش آید و منجر به زمزمه استعفای وزیر داخله و وزیر مالیه بشود . در

حالی که فارس باین حال و خراسان و استهبان مصادف بآن وضع ناگوار باشد این زمزمهها از طهران طاقت خوشی را نمی نمایند . امیدواری ما بیشتر از این کابینه مجالس وزراء بود . گویا آن مجالسیرا که مانع میگردیم چندان صحیح نبوده در صورتیکه این کابینه با اکثریت مجلس تشکیل یافته و تمام وزراء را بدون هیچ فشاری شخصاً سپردار اعظم انتخاب نموده این زمزمه با اتفاق خاصه در جراند اروپا هیچ پسندیده نیست . اگرچه پس از استعفای مستشار الدوله خبر انتخاب سردار اسعد بوزارت داخله هم اشاعه یافت ولی ما تصدیق بصحت آن نه توانیم نمود چه اگر در این موقع چنین انتخابی پیش آید بمناسبت تقارن حسن طابق برای جنوب مشامده نتوان نمود گذشت بر این هرگاه سردار اسعد در این کابینه بوزارت داخله منتخب گردد همان کابینه خواهد بود که در ابتدای فتح طهران تشکیل یافت وبواسطه عدم اتفاق وزراء شد آن چه شد که تذکارش را در این موقع سزاوار نمی دانیم . هرگاه وزراء در میان خود اتفاق کامل نداشته باشند ممکن نیست بتوانند از عهده امنیت مملکت برآیند . و الهات ناگوار خراسان و کشته شدن چندین نفر بیگناه و نقصن مجلس در تلگراف خانه و بطیابانه اصلاحات لازمه و حدنات



نامنجان اصفهان و هجوم اهالی بدارالحکومه و کشته شدن چند نفر و سلب حاجی محمد جعفر خونساری که يك از اعضای بلديه بود و فریاد مردم از احتکار و قلت نان و شرکت روحانی و خواستن قونسل روس اطمینان برای حفظ رعایای خود و تأیید بختیاریان به بلوایان نظاره خونری می نماید بقیده ما تمام اعتشاش بلاد مانی از عدم اتحاد وزرا و وکلاست هر زمان که طهران امنیت کامل پیدا نمود می توان با امنیت سایر بلدان هم امیدوار شد و تا وقتیکه وزراء با يك دیگر متفق نشوند و وکلا مؤید آثار نگردد ممکن نیست اطمینان کامل با امنیت طهران پیدا نمود، و پس از آنکه در مرکز امنیت باشد امید سکون و آرامی بلاد دور از مرکز نیمی آب از سراب است اگر ما را چشم عبرت بین باشد باید از اوضاع کنونی مراکو عبرت گیریم و ره پس از خندی حلدان و خیم تر از مراکوشیان خواهد گردید . تغییرات و تبدیلات سیاسی تدریجی است و اگر بدقت ملاحظه چند سال قبل اوضاع مراکش بود در فی با امروزه اوضاع ایران مشاهده خواهد شد . شيوخ و رؤسا و اعیان مملکت بسدوت يك دیگر کر بسته و خود حواشی و نوع کشی را شعار ساختند . خارجیان هم آتش اختلاف و انقلاب را دامن زده رفته رفته کار را بدین جا کشیدند . پس اگر خیر خواهار ایران جداً جلوگیری از اوضاع کنونی نباید هم نتیجه که امروزه در مراکودیده میشود در ایران هم پیش خواهد آمد \*

تمام امیدواری اسلام برستان و وطنخواهان به دات والا حضرت ناصر الملک نایب السلطنه است که به نصایح بدوانه رؤسای مرکزی و وکلا و وزراء را متحد سازند . چه امنیت مرکز و اتحاد سران بزرگترین اسباب امنیت بلدان و سبب عمده اتحاد کلیه اهالی تواند گردید .

سیاست دول اروپا در مراکو

( با ضدیت تثلیث با توحید )

کسانیکه واقف از اهمیت سیاسی و ثروت سیاسی مراکو و خیالات حربیانه دول اروپا هستند واقعات امروزه آن را چندان رسافه نخواهند داشت . مراکو از سلطنت های قدیمه اسلام و بقیه الباقیه سلطنت امویه در اندلس است، هر کس از تاریخ سلطنت امویه در اندلس و ترقیانشان چه در

تمدن و چه در صنعت و علوم واقف بخوبی میداند که معلم اروپا هر آینه مسلمانان اندلس بودند دسته دسته اروپائیان با منتهای آزادی در مدارس و دارالعلوم های قریبه برای تعلیم آمده و مسلمانان با کمال گشاده رونی و منتهای بی تمصبی آنان را تعلیم و تمدن می آموختند نتیجه آنچه تعلیم و احسان آن شد که اسبابا نتایج ارباب صلیب گر اندام این سلطنت اسلامی را بر میان بسته و کرد کرد . و تاریخ اروپا را به نصب و وحشت آدامه آنچه قیامت لکه دار ساخت ، علاوه بر اینکه هر اران موس اسلامی را از دم تیغ گذراید و زن و بچه مسلمانان هم نوحه نه نموده چندین هزار طفل رصیح اسلامی را افتحاراً زنده بسر بزه های خود نموده طهار جلالت و نجاست می نمودند مساجد اسلامی و مدارس مسلمانان را حراب و بیوض کایا ساختند مورخین اروپا حات وحشتناک امالی اسپانیا و سر ستری و تغییرات مدتی مسلمانان و حرابی اندلس را بعد از فتح اسپانیا بخوبی تشریح نموده اند . پس از آنکه بر مسلمانان استیلا جستند هتل و زجر و شکنجه اهارا ببول دین مسیحی مجبور ساخته و شدت تعصب را بجای رسانیدند که مسلمانان را حتی در خانه های خود با زن و بچه خویش منع تکلم زبان عربی نمودند . بعد از استیلائی اسپانیا این مملکت اسلامی به يك حال ویران افتاد که از ملاحظه شهر های قشنگ معمور آن بندگان را وحشت دست می داد، طولی نکشید که نه يك هر مسلمان در آن مملکت اسلامی با دست و پا و به آزاری از اسلام باقی ماند، برخی از مسلمانان که قدرت فرار یافته و توانستند هجرت نمایند خود را مراکو که معروف به مغرب است رسانیدند و تونه حکومت اندلس را تشکیل دادند . در قرون اولیه اضلای بزرگ و علمای ذی احتشام مانند ابن حلدان و غیره از میانه آنها برخاسته و خدمات عظیمه به عالم اسلام نمودند بقول يك از مورخین منصف قرآن « اروپائیان نه تنها حق نعمت مسلمانان اندلس را شناخته بلکه نمک خورده نمک دان را شکستند » یعنی کسب علم و فیض و تمدن از مسلمانان نموده بنیان تمدن اسلامی را در آن سرزمین

ویران ساختند دیگری از مورخین می نویسد «مردمی اروپائیان در عود استقلال یونان که به اسم حق تمدن درخواستند حرکتی راست بازانه نبود چه حق تمدن مسلمانان خاصه اعالی اندلس با اروپائیان پیش از تمدن یونانیان بود و حال آنکه همان قسمیکه در تشکیل استقلال یونان اتحاد نمودند در اضمحلال مسلمانان اندلس اتفاق کردند» این بود مگر از تعصب مسیحیت با صِدیت تثلیث ما توحید

بالجمله تا وقتیکه مراکو از همسایگی اروپائیان دور بود با امنیت و آسایش امرار وقت می نمود هر قدر اروپائیان قرب جوار با وی پیدا نموده و نفوذ تجارتی و سیاسی خودشان را در آنجا پیش کردند و اختلال مملکت افزوده و راحت را از اهالی آن خطه ربودند

از زمانیکه فرانسه طوس و الجزیره را قبضه نمود بحیال بلع مراکو افتاد. ولی انگلیس و اسپانیا مخالفت با وی ورزیده، مانع اجرایی مقاصدش بودند تا زمانیکه اتحاد فرانس و انگلیس قائم انگلیس حقوق فرانسه را در مراکو تسلیم و فرانسویان حقوق انگلیسان را بر مصر مسلم داشته منطقه نفوذی هم برای اسپانیا در مراکو قائم کردند. در آن حین و بیس امراخور آلمان ساحل مراکو آمده جوی مهربی برای خویش نهاد و این حرکت امراخوری باندازه اهمیت سیاسی پیدا نمود که نزدیک بود میدان جنگ بین فرانس و آلمان آراسته گردد. در آن موقع بود که افشای معاهده سری انگلیس و فرانس بدین مضمون شد. «اگر فرانسه با در سر مراکو به جنگ در آید انگلیس صد هزار قشون به کمک در ساحل مراکو وارد نماید» ولی انگلیس است چون سخن آلمان را مشاهده کرده خوف جنگ عمومی اروپا دامنگیرشان شده، قدم باز پس نهادند و عاقبت منجر به کنگره الجزیره شده و عقد موافقت بر سر مراکو بسته آمد فرانسه حقوق استقلالیه مراکو و حق آزادی تجارت دول را در آن تسلیم و آلمان هم به نفوذ فرانس و اسپانی در نقاط مخصوصه مراکو اقرار کرد، از آن بعد بین آلمان و فرانس در مراکو کشمکش

رقابتی بالا گرفت و هر یک در جلب امتیازات و ریختن سرمایه خود در مراکو کوشیدند، چون عبد العزیز سلطان سابق مراکو با آلمان از در سازش معوم می شد فرانسه در باطن بخلع وی کوشید. تدبیر دیگری که فرانس و اسپانیا برای پیش رفت مقاصد خود در مراکو نمودند همانا اداختن انقلاب بود، چنانچه بدو اسپانیا در منطقه نفوذ خود با اسم بغاوت قبائل (رف) بداختن مراکو لشکر کشی نموده و مبلی حذققت مصارف لشکر کشی را بر مراکو تحمیل نمود و فرانسه هم حق وی را تسلیم کرد و قرار بر این دادند تا وقتیکه مراکو وجه مصارف لشکر کشی که بالغ بر بیست میلیون فرانک بود نپردازد نقاط منصرفه در قبضه اسپانیا باقی ماند، حتی کربکات را هم منصرف اند ازانی بعد فرانسه محرک اختلالات کنونی شده لشکر کشی آغاز نمود و اسپانیا هم تصدیق به لشکر کشی وی کرد و از این لشکر کشی باندازه مراکو را زیر بار قرض خواهد نمود که قرضها نتواند خویشتن را از جنگال وی رهان بخشد.

اگر چه برخی از جرائد اروپا تقسیم مراکو را بین فرانس و اسپانیا و آلمان و انگلیس مینویسند. ولی بعقیده ما این سخن مقرون بصحت نیست بلکه از این افواه هم امراض پلیدی مد نظر دارند و می خواهند نیکنامی که آلمان در عوالم اسلامیت حاصل نموده و مسلمانان را جلب به خود سپاخته زائل نمایند. و بعضی معاوضه آلمان را همانا شرکت فرانسه با آلمان در تکمیل راه آهن بغداد می دانند. و واسطه این عقد ائتلاف، را بین آلمان و فرانس دولت روس می بندارند، ولی آنچه از قرائن ظاهر می شود آن است که حکومت مراکو فوری خاتمه نپذیرد بلکه فرانسه و اسپانیا باندازه او را زیر بار قرض خواهند برد که رفته رفته خود بخود اقتدارات خویش را خاتمه دهد و عیناً همان نقشه است که اروپائیان در مصر اختیار نموده بودند، مراکو مملکتی است زرخیز و بر ثروت و دارایی معادن غیر مسکشف، نفوس بین هشت و ده میلیون است، هموما مسلمان و جماعت هم از

بود در آنها سکن دارند ، معادن دست نخورده و ثروت طبیعی این مملکت عالی ترنسواراست سرمایه داران فرنگ را بطمع انداخته همان نقشه را که از چهارسال مسایگان ما برای ایران در پیش دارند ، اسپانی و فرانس در مراکو از پیش بردند ، و مرگه ایرانیان بهوش یابند و عاقله و مدبرانه جلوگیری از نفوذ مسایگان نمایند و چشم از استقراض همجواران نبوشند و قوای دولت را بتسی تشکیل ندهند که قادر بر سر کوبی متمرذین داخلی گردد و بتواند در هر موقع رفع بهانه جوئی مسایگان را نماید ، خواه مخواه نقشه مراکو را در ایران هم اجرا خواهد ساخت .

ایرانیان نباید مغرور بدخالت نجاوی و سیاقی اروپائیان گردیده عفت از مقتضیات زمان نمایند . مرگه مراکویان عبرت از مسلك مسایگان گرفته خویشان را برای رفع بهانه جوئی آنها آماده ساخته بودند امروز خود را در جنگال گرگان حریص عبدیدند ، در اثبات ایندستارقیات دولت سیام که نفوذ سیاست و تجارت فرانس در آن از مراکو پیش بود کافی است ولی چون سیام بخود آمده و خویشان را آماده همه گوه اصلاحات کرده موقع پیشرفت مقاصد فرانس داد . و امروز حالی پیدا کرده که دبریا زود مسایگان مقتدر خویش را جواب خواهد گفت و قطع ایادی غاصبه آنان را از مسکت خویش خواهد نمود .

ایرانیان بدانند که ضدیت تنذیت با توحید مرتفع نتواند شد و در رقابت اروپائی آسیائی فائمه حاصل نتواند کرد ، خوبست اندکی صحف تاریخ صد ساله اخیر را ورق زده بدقت ملاحظه نموده تا بدانند که جمیع ترقیات ملکی اروپا در سایه رقابت یکدیگر و غفلت و تنزل مملکتی مسلمین بوده و تا کنون هم هر ضربی که میزنند بر سر مسلمانان است . و هر يك در هر نقطه مقابل مسلمانان قدم نموده چند دولت دیگر بر رقابت او برخاسته و آن مسلمانان غفلت زده را پیش از پیش بظفلت انداخته و در سایه آفت رقابت اقتدار وی را محو و نفوذ خویش را قوی ساخته چندی نگذشته است که تیاتر رقابت آن ها خاتمه پذیرفته و معارضه يك دیگر را راضی کرده آن

ایرانیان راست که از اوضاع کنونی مراکو عبرت گرفته و از نقشه صد ساله رقابتی اروپائیان سرمشق حاصل کرده تا تیرشان از شصت رها شده و موضع دیگری در خانه رقابت اروپائیان پیدا نکرده خویشتن را از موضوع رقابت مسایگان خارج نمایند ، و اولین طریق نجات ایران در آن است که در امور معاش و اصول ترقی و تمدن همان راهی را که حریفان آنان پیش دارند اختیار کنند و هر قدر ممکن شود بر قلت قرض از بیگالگان خصوصا مسایگان بکوشند ، چه خوب می فرماید یکی از سیاسیون « در هر دیاری از اروپائیان که باسم قرض یا سرمایه تجارت وارد در مملکت مستغله آسیا بگردد چندی نمیگذرد برای پیشرفت مقاصد سیاسی آنان حکم يك سرباز مسلح را پیدا نمایند » و این سخن است که ابدا قابل انکار نیست . و هر روز در مملکت خود و سایر مملکت ضعیفه مشاهده می نمائیم چیزی که بر ضدیت تنذیت با توحید در ایران افزوده همانا ثروت ضعیفی و موقع جغرافیائی سیاسی و تجارتی ایران است که از هر طرف طامان حریص متعصب فرنگ را بحجاب ایران و ایرانیان شوق داده و خواهد داد \*

ایرانیان بدقت ملاحظه نمایند که سبب اضمحلال مصر و مراکو جز این بوده که همسایگانش یکمشت بول باسم قرض و تجارت و غیره در آن مملکت پاشیدند ؟ آری بملاحظه همین نکته بود که حبل المتین علی اصغر خان امین السلطان و ارفع الدوله را بعد از از استقراض میثوم روس به آواز بلند خان وطن و اسلام فروش نکاشت ، و زیان آنان را بایران و اسلام از جمله همکنان بیشتر دانست ، و نه از دوره فتحعلی شاه تا دوره مظفرالدینشاه غالب رجال ایران هم مشرب و هم مسلک امین السلطان و ارفع الدوله بودند \*

نجات ایران منحصرا بدو راه است ، اول فهم مسلك حریفان و اتخاذ اصول ترقی و تمدن بوضع درل مثرقی امروزه ، دوم نگرافتن قرض از مسایگان و کم نمودن تجارت آنان بهر وسیله که ممکن شود

« نقل از روزنامه شریفه استقلال ایران »

( منظره طهران )

( ملاقات نجار با والا حضرت آقای )

( نایب السلطنه )

( روز شبه غره و بیع الثانی )

تقریباً یک صد نفر از قبیل آقای حاج معین بوشهری و حاجی محمد تقی شامرودی و حاجی علی حاجی حبیب و آقا میرزا محمود شرکت متنقه و غیره شرفیاب شدند .

ابتدا در تالار ایض جلوس نمودند بعد از نیم ساعت والا حضرت تشریف آورده اولاً ملا اسدالله مرفی یک یک از آقایان را نموده و والا حضرت به یک یک اطباء مرحمت نموده احوال پرسی بپدید نمودند .

والا حضرت - خبلی چشمم روشن خبلی مایل بودم شما را به بیم و قدری دیر شد انشاء الله مبارک است و همه آقایان قلم روشن است برای اینکه شما هیچ چیز میخواهید به حکومت و نه ریاست فقط شغل شما تجارت است و طالب امنیت میباشد قلب و چشم من همه شما روشن است . حاجی معین - توجیبات والا حضرت مالا تریب اعمای الهی است در واقع تمام اوقات در زحمت و خدمات این ملت سعی بوده و هستید .

والا حضرت - هیچ وجه کوتاهی نداشته و ندارم باید رجوع قلب خودتان بفرمائید اگر روشن است کارها خوب میشود چنانچه بحاجی حسین آقا چند روز قبل گفتم فرمودند بتوجیبات شما کارها خوب میشود گفتم من همه وقت اینجا بودم و همه وقت توجه داشتم ولی نتیجه که مرتب است از قلب و نیت شماست ولی بعضی چیزها من می شنوم که یک اندازه اسباب رنجش من میشود . شما اشخاص شریف را فرض بفرمائید دو هزار و پانصد نفر و حال اینکه هیچ نیست و ما بی در چهار صد هزار نفر صحیح آمده ملاحظه نموده اید یک نفر شریف عقاید نجار را بواسطه بعضی انقلابات بهم بیادازد ( در این بین دو مثل آوردند ) و علت این کار جدید اشخاص شریف است در کار . وجه نکرده اشخاص صحیح بهتر این است چه یک کنند .

حاجی معین - عقاید مردم تا دو ماه قبل بواسطه احلاق حسنه والا حضرت توقیر کرده است .

والا حضرت بطور بفرمائید ؟

حاجی معین - برای اینکه یأس اهالی مبدل نامیدواری شده بواسطه بعضی اقدامات والا حضرت در خصوص و کلاه و تعیین و زرا وجد درکارها والا حضرت - مکرر در اوایل اسلام پیغمبر چند مرتبه فرمودند دین من قوی شد و حال اینکه یک نفر بود خواهش میکنم از شما اتصال فکرتان این باشد که کار خودتان را خودتان بکنید و بیک و بد را از روی صحت ملتفت شوید بساقت احوال آنها نگاه کنید خوب را احترام بگذارید و بد را دفع کنید .

یکی دیگر اینکه ۶ ماه دیگر موقع انتخاب جدید است باید وکیل معین کنید . شما در واقع سلطان مدارید موقتاً باید خبلی ملاحظه بفرمائید در اینخصوص که کار خودتانرا بدست خودتان خراب نکرده باشید . مثلاً بکنفر عامل شبراز میخواهید بفرستید اولاً هرارجور در خصوص آن ملاحظه بفرمائید آیا بکنفر وکیل پارلمانی قدریک عامل نباید کار بکند ؟ آقا ملا اسدالله - مریضه بحضور مبارک عرض شد .

والا حضرت - بلی میفرستم در هیئت وزراء مذاکره شود .

این را هم بگویم از حالا تاوقت انتخاب شرمه مانده است و نظامنامه انرا گفته ام حاضر نماینده تا موقع انتخاب تکلیف هر کس معین شود .

حاجی معین - بهتر این بود که بیاورند حضور حضرت والا و دقت نظری بفرمائید .

والا حضرت . من حوسنه ام اگر آورند فيها ورنه چکنم بیورم امضا کنم ، گویا خاطرمان باشد در مسجد که میخواهید انتخاب کنید من و مشیر الدوله قبل از همه آمدم و مخصوص دهم یکی یک مشت رای و بخت در صندوق ، شما فرد فردتان در روز انتخاب نظارت دارید باید ملاحظه نماید .

یکی اینکه یک وکیل از اهالی شبراز است از کردستان او را انتخاب مینمایند این بطور میتواند

از برای کسیکه هیچ ندیده و نیشاند خدمت کند .

باید تفرقه هارا زود بدهند و از حال باید وکیل خودترا هر کس در مد نظر داشته باشد و متوجه افسال او باشد .

باید وکیل قبل از آنکه برود به پارلمان بموکش بگوید که من در چه عقیده هستم ، و باید قبل از وقت عقیده خودترا موکل باور اظهار کند که هر دو وکیل و موکل عقیده هم دیگر را بدانند ، یکی دیگر اینکه وکیل و وزیر هر کس میخواهد باشد مثلاً در ایام استبداد خون مردم را می میکند و در عاشورا تزیه داری حضرت سید الشهدا می نمودند و بسادات التفات میکردند . پس وکیل باید تابع عقاید عامه باشد شما در موقع گویا می توانید در کوچه کلاه خود نان را بردارید و در کوچه سر برهنه راه بروید .

پس هم خود نان را جمع نمائید در این خصوص و محافقه روابط ما با خارجی خیلی خوب است باید نزاع داخلی را رفع کرد که بعین مثل حیدری و امقی است این بارتی ما بیایند بگویند حرف خود شان را اگر حسابی گفتند حق بجانب آنها - برروز رابووش از سزوار خواندم ، شخص شاگرد قصاص قتل کرده است از برای بختومان بعد او را محبس برده اند در حبس هم خواسته بکنفر دیگر را بکشند و هر چه تکلیف از مرکز خواسته اند جوان داده نشده آیا تا کنون بلك حابرا بتصاص رسیده اند ، وزیر میگوید اعتبار بمن بدمید میگویند استبداد است ، آیا در جهه وری فراسه مجازات نیست ؟ مخصوصاً در فراسه خواستند قتل را مبدل بمحبس کنند هنوز قانونی نشده چند نفر آدم کشتند .

ملا اسدالله - خود حضرتعالی میفرمائید اعتبار نامه مطابق قانون در صورتی که قانون باشد .

والا حضرت - بلی قانون نداریم اشخاص می میرند ولی ملت زنده است حال خدا حافظ شما ، حاجی خدا بخش - امید است اسبابی فراهم بیاورند قدری امنیت حاصل شود .

انشاء الله حاصل خواهد شد وجد کافی در اینکار داریم .

بعد والا حضرت تشریف بر دند و آنگاه از برای صرف جای توقف نمودند .



نخل از روزنامه شریفة شمس

( منطبعة اسلامبول )

مدیر محترم روز نامه شمس را زحمت اظهار میدارد بلك نمره از روز نامه مبارکه را برای علم یاد گرفتن دختران محترم ایران مطالعه کرده و بند ، هم چند سطرى در انبواب نوشتن استمداد دارم دريك ستون جریده بکنجائید ولی نمیتوانم مثل سایر رفقا باهنوانات خیلی مستحسن و الفاظ عایط چیزی بنویسم این است که این چند سطر را هم بسیار ساده و به اندازه فهم خودم بدون برده نوشتم ، همه کس میدانند که جوی بختیاری زاده آدم ققط لانه و کاشانه خودش است یعنی انسان میتواند در خانه خودش کامران بشود ملاحظه فرمائید اگر پسران آنخانه و آن خانواده تحصیل کرده و باسواد باشند و علم و معرفت بیاموزند اما دخترانش نادان و بی سواد و بی معرفت بمانند آیا آن پسران با وجود دانائی خود شانس می توانند آسوده و کامگار بشوند ؟ اندا نمیتواند ، زیرا انحصار و امتزاج یکمرد خوانا و دانا و ادیب نا بکنفر زن بی سواد و نادان بمن نیست و نخواهد شد . لهذا آن بچاره - یعنی آن زن بد بخت تادم واپسین از شوهر خود بد میشوند ترش روئی و بد اخئی و حقارت می بیند و آنها اگر با این ستم و آزار بی اعتنائی و حقارت بگذرد باز خوب است اما بلك مخاطره هم برای استقبال در کار است ، از آنجمله هر روز دیده و میشنویم که دبستانهای تازه رفته رفته از شاگردان کوچک بر میشود و این نو باوکاوت فردا ! بزرگ خواهند شد دختران نادان و بی سواد ما را پسند نکرده و خواهد گفت - این دختران بی سواد و بی تربیت اند تا هل با آنها جایز نیست زیرا انسان حیات خورا مسموم میدارد \*

این کونه مطالب و این قسم ملاحظات را باید بیشتر از همه کس مادران و خانمهای ما فکر نموده باشد بویژه مادر هائیکه خیلی مهربان و بالطبع حساس باشند ، فی الواقع اگر این دختران ماتریت و تحصیل دیده باشند هر يك يك خام با ادب بوجه و نادانهای آنها مادام العمر منثور و در زیر سخنان

درشت شوهر های خود شایسته می مانند انوقت  
تصیر این مسئله یعنی کتاه این سکونه حالات در  
کردن مادرانست ، شارا بخدا درست تصور فرمائید دو  
نفر دختر را که یکی میخواند و مینویسد و زوکرانی  
و تاریخ و ریاضی میداند و در يك مجلس از هر  
گونه مطالب سخن بمان آید با کمال شیرینی و نزاکت  
و ادب جواب داده و نظر اهل بزم را میرباید خانه  
خودشرا يك نگاه میدارد به انتظام امورات بلبه  
دقت میباشد چیزیکه از بازار بخانه می آید با حسن  
صورت اداره کرده و راه صرفیه اشرا میداند ، همه  
وقت اولاد خودشرا در دایره ادب و اخلاق مقید داشته  
و میپروراند ، اما آن دیگری که بی سواد بدبخت و  
بیچاره و بی خبر از همه چیز است در واقع بيك  
سنگ جنبنده میباشد امورات خانه و خانه دارین بی  
لطم میشود و در مجالس نشست و برخاست و طرز  
صحبت و تکلیف خود را نمیداند به دهن مردم نگاه  
میکند هر چه بگویند نمی فهمد هر چه بگویند یا نمی  
فهمند با نفرت میکنند دروغی سخنان هم نشینان را  
تصدیق میکند و مثل کسان سکور بالطبع نیم خند  
میشود نیم خند کوران مستحسن ، و تبسم این کور  
بدبخت خلیل خستک و بسیار زشت میکرد از قضا  
مستکره هم میشود !! اگر در يك مجلس از باغ و  
وبستان گل و گلستان حرف بزنند این بیچاره هم از  
سنگهای کوه بحث میکند ، تنها مینشیند ، شرمند  
می باشد و مردم کریز و درایفای و ظایف انسانیت همه  
وقت عاجز میگردد ، شوهر خودشرا با حرکات و سکنات  
و حرفهایی نامناسب بستوه میآورد ، همسایگان را  
دلالت میکند ، رخت خودشرا نمیتواند به اندام خود  
بیاورد حرکات مجنونه در آورده و سخنان بیجه گاه  
میگوید ، روش و رفتار خودشرا نمیداند ، راه  
پرورش اولاد را نمیشناسد ، و می جانه میزند و خود  
بخود در اطاق و در مطبخ لوند لوند میکند همه  
دود سر میرساند ••

حالا به بنیم مردی که میخواهد يك همفشی  
برای حیات خود تدارك بکند آیا کدام يك از این  
دو دختر را پسند و اختیار میکند ؟

بلی چنانکه همه وقت گفته و نوشته ام مادران  
و خواهران محترمه ما باید حق و حیاتی بگردن انسانیت  
گذارده اولاد خود شارا بویژه دختران را تربیت  
کرده و بدبخت نه نمایند والا نسبت به ادراك و فهم

و یقین خودم سوکنند یاد میکنم بناموس و عفت قسم  
اگر خانمهای ایران ما به تحصیل دختران هر چه  
زودتر نکوشند تاخی ندامت را خود شان و سوزش  
نازیانه نادان را دخترانشرا تاب مزار خواهند  
چشید زیاد ازین چه عرض کنم امیدوارم اظهارات  
من در خدمت همشیره عایم بموقع قبول افتاده و در  
هر شهر انجمنهای مخصوص براساس تلمیم و تحصیل  
دختران تشکیل خواهند داد •• § •• § ( آصف )

مکتوب از اسلامبول

قل هل ایتکم بالآخرین اعمالا

من که بيك زخم مستمند و اسیرم

زخم دگر میزید باز به تبرم

از روزیکه همسایگان محترم و برادران هم  
مذهب مکرم اسم اتحاد اسلامیان را در میان انداخته  
وما و رؤسای ما را باین کتاه بر اصل بی مأخذ کول  
زده اند ، چند درجه برفتار ما و تجاوزات خود افزوده  
از طرف سرحد متصل بتعمیرات و اجحافات  
فوق العاده که هیچ وقت تا این درجه جتارت و  
جرت نداشتند سی نموده و تکلیفات مالا یطاق بر  
دوش ایرانیان داخله و خارجه نهاده و از طرف  
دیگر باسم ورکوی تمنع در اسلامبول وغیره  
نسبت با ایرانیان حرکاتی بروز دادند سکه با هیچ  
دولت ضعیفی نتوانستند معمول دارند در خانوالده  
که جرت نگاه کردن نداشتند با اسلحه وارد شده  
تمام اشیاء حجرات تجار ایرانی را غارت نمودند  
و اسس را گرفتن وجه تمنع گذاشتند و چون  
سفر نداشتیم نتوانستیم رفع این حرکت سوء را انجامیم  
یکسال متجاوز است سکه اسلامبول با این اهمیت  
بی سفر مانده و ما را با اندازه حقیر و تضعیف کردند  
که قلم را از نوشتن او شرم آید و هنوز وزارت  
خارجه ایران توجه خود را باین صوب مطروف  
نداشته بهمین حال اسفناک باقی گذاشته و فکر نمی کنند  
سکه حفظ حقوق ایرانیان در خارجه شایان  
دقت است ، بعضی مأمورین که بتوسط دولت وظیفه  
خور هستند و در هر سالی مبالغی خطیر که هر  
يك قران او مال يك زارع و رعیت فقیری است  
در حساب دولت جمع بندی کرده و همیشه از  
قانون دانی و وشادت خود توصیف میکنند ، مال

ملت بیچاره را می خورند، و چون باصل حقیقت رسیدگی شود، صد دینار کار برای ملت صورت نمیدهند. و هنوز ندانسته اند که زمان حال و استقبال غیر از زمان ماضی است و وظیفه خور باید خدمت کند بدون خدمت اجرت داده نخواهد شد اگر هم بگیرند مستند اشخاصیکه باهم مال و افعال آنها نکرانند.

جندی است در روز ناهنجار ترکیه مکرر خوانده ایم که نمایان از روحانین خود استفاده کرده اند که اشیاء و جواهراتیکه در اماکن مشرفه و قبور منوره ائمه معصومین - ملوات ائمه علیهم اجمعین موجود است، آنها را تصاحب کرده بفروش رسانند و جوه آنها را صرف مکتب و معارف خود کنند، از قرار مذکور روحانین هم تجویز و تصویب نموده اند، بیخ داده اند، این مطلب از همه بیشتر اسباب تعجب است که اشیائیکه بعنوان وقف مؤبد و حبس مخدود در آن مقامات رفته گذشته شده و چهل کرور ملت ایران ناظر آنها میباشند چگونه ممکن است سوء قصدی نمود و حرم محترم ائمه راشدین را تحقیر کرد، علمای فلاسفه و عقلائی منمده در حل این اشکال مهم متفق و متحدند که محاببت و حیا اولین سرینه سعادت و شرف انسانی و محبوب اقلوب تمام اهل دیاست ولی ناما اینکه بدرجه کمال برسد و اگر از حد کمال خارج شد او را محاببت و حیا نیکگوید بلکه جزء صفات و حقیق شمار میرود، از سرحد ما تجاوز کردید، گفتیم محاببت میکند مرارها ظلم فاحش نمودید، گفتیم حیا مینماییم! و در کوی نفع نیر مشروع گرفتند، گفتیم هم مذهب هستیم! در عنایات و غیره تحمیلات فوق العاده نمودید، گفتیم اتحاد کرده ایم! اگر در مسئله تنهی کردن خزانه حضرت امیر و حضرت ابی عبدالله و حضرت ابو الفضل و ع-یره سلام الله علیهم سکوت مانیم مانا اشخاص ن حسن و سلفه و ابله و احق هستیم این مطلب ابداً ربطی بحیا و محاببت ندارد و بیخ وجه سکوت جایز نیست اگر چه جراید ترکیه هم چندان محل اعتماد و اعتبار نیستند و شاید بعضی خبرنگاران اطلاع جعلی باباب جراید میدهند معینا اگر این خبر هم جعلی باشد برای ما خوب نیست و وخامت عظیمه دارد و باید

سریباً تکذیب بشود. و اگر خدای نخواستند صحت داشته باشد ما ایرانیان بیخ وجه من الوجوه نامل نخواهیم کرد هرگز رضا نخواهیم داد که به علاوه اینکه خود ما را غارت کردند قبور ائمه امام را هم لخت و عور نمایند خواهیم کرد آنچه را تکلیف وجدانی اقتضا کند، تا ایرانیان مرعوبیت و خصوصیت غیر موجه را کنار نگذارند از عمده کاری و نخواهند آمد باید مرعوبیت را برداشت و باقتضای وقت عمل کرد.



ادبیات

نوصیه ایست که از اسلامبول بایرانباش (فرزندان نوی خود نوشته ام)

بعد ازین از خواب بفت ای بیدار باش  
رفح بیروشی نما و زین سپس هشیار باش  
گر بخوابی همچو ما دزدان ترا غارت کنند  
ما نفهمیدیم و خوابیدیم تو بیدار باش  
کرد دست ظلم و عدوان حقه ما را حراب  
خوبش در خانه خود روز و شب ممان باش  
دزد را بشناس و راه را محرم رازت مکن  
حفظ خود را گر بخوای حفظ اسرار باش  
ای بر جان دوستی ما اجنبی زدن خطاست  
دوستی ن با برادر ها و بر خوردار باش  
ملک ایران خانه ملک و مودوی دوست  
دوست بامم خاها و دشمن اعیبار باش  
تا که جان داری قبول ظلم از دشمن مکن  
با کمال عنزم خود سردار و خود سالار باش  
نعمت بی منهی در خاک ایران است و بس  
لاجرم خود صاحب این نعمت سرشار باش  
ملک ایران خانه ساسانیان است و کیان  
بمکار و وارث و اولاد نیکو کار باش  
گر مناع صلح میخواهی مشو غافل ز خصم  
حاضر جنگ و مسلح اندر این بازار باش  
دولت متبوعه را ملت نگهداری کند  
قطب استقلال دولت را تو چون بر کار باش  
جوز بی مغز است گفتاری که باشد بی عمل  
از سر گفتار بگذر بر سر کردار باش  
مجلس شورایی ملی را نظر کن با ادب  
و آنکهی با چشم دقت ناظر دربار باش

با توانی سی خود بد ذول کن در انتخاب  
فکر شخص عاقل ما غیرت دیندار باش  
حاصل مشروطه را نیکو بیاوز ای عزیز  
مجری قانون عدل و خادم احرار باش  
تا بیان علم قلبت نیست روشن در امور  
کسب نور علم کن پس مطلع الانوار باش  
ضرب و تقسیم و حساب و هیئت و حفرایه  
تا توانی پنج گنج علم را درکار باش  
واردات و صادرات ملک را نیکو بسنج  
جمع و خرج مملکت را چون یکی طومار باش  
زشت و زیبا هر چه می بینی ز هر شهر و دیار  
با حقیقت در جراند ناشر اخبار باش  
کسب اخلاق و ادب بنما و ما نیکان نشین  
همچو ناطق هدم و بار اولی الابصار باش  
صادق بروجردی



### کرمات

( قابل توجه امنای دولت و وکلای ملت )

چون سارقین فارس در این مدت اغلب شتر و  
گوسفند بلوکات کرمان و یزد را برده ، خاصه در  
این اواخر که صمصام و غیره هفصد شتر قوافل را  
برده ، لهذا تجارت این حدود بکلی خوابیده بلکه  
آمار گرانی و علا طاهر شده ، مثلاً گوشت مدتی  
است معدوم صرف شده ، عموم خلق به بیضه  
ماکیان و ماست و سبزی بسر میبرند آهم گران  
است ، مصداق شعر شبح علیه الرحمة ظاهر شده  
گرسنه شکم برند دوخت چشم  
که همایه گوشت بوده است بشم

همین یک چیز باقی است که بکدفعه فحط فرا  
گیرد و آن مالیات نواقل است که اعلان شده  
بگیرند ، و کاسکه دورشکه بار کش شتر و قاطری در  
این شهر نیست باید از الاغ های بونه کش بازهای  
دور شهر بگیرند ، آنها نیز نخواهند آمد متدینین  
مشروطه خواه آمدند غارت کرده رفتند آخری آنها  
میرزا حسین خان مجاهد رئیس نظمیته بود ، این اوقات  
در سورتیکه بعضی میگویند کلی دخل برده ،  
زیرا که در شهر در مدت یک سال و نیم کار عدلیه  
کار نواقل ، ترابک ، مشروبات کار کلانتری و معاوقات و  
ترجمان ها و غیره تمام با او بود ، و در بلوکات

هر جا رسیده هر چه نوانسته گرفته ، مبالغی اهالی  
شهر طلب گارند ، ماهیانه پلیس و ژاندارم چند ماه  
نرسیده بدون اینکه حساب او را نمایند روانه  
طهران شد و رفت خودش اظهار می نمود مقروض  
است حتی هفتاد تومان تخته نطق تجارت خانه نوبل  
روسی طلب گار است ، هزاریکه میگویند که هزار  
تومان رئیس معارف سابق دو طهران بازار چه  
خریده ، اگر راست باشد زهی ملت بدبخت و محس  
کرمان ! که این همه غارت و دخل جدید از آنها  
اخذ شده ، معذالک سوار های امنیه فریاد دارند  
موجب ما نرسیده ، پلیس و ژانداران فریاد دارند  
مواحب ما نرسیده ، عدلیه شکایت دارند مواحب  
نرسیده ، همین که یکشتر ملای فقیر آنها را گرفته  
خارج کردند و رحمت دادند کرمان مشروطه شد  
قانون جاری شد ؟ خواسته باشیم شرح هر یک ادارات  
را عرضه داریم طول بلا طائل و مندر تیری نیست  
بلکه تمام از بی حسی خود ملت است که حقوق  
انسانیت و حریت را نمی فهمند ، بقول خودشان  
رعیت تابع ظلم است ، ماورین کرمان اول مشروطه  
خواه قانون طلب میباشند در ورود نطق های  
خوب می نمایند ، همینکه حالت بی حسی و استبداد  
طلی مردم را دیدند فوراً همه را فراموش و با  
جوب استبداد آنها را میرانند ، جلوگیری هم نیست  
بالاخره این رشته سر دراز ، دارد چند روزی است  
امنیت شده جای شکر است ، اگر فارس امن گردد ،  
اما کلیات امور خراب است ، عدلیه برای ضحفا  
دابر است ، اقویا پای بندی ندارند ، رئیس تجارت  
کلیه در این چند سال حق خود را ادا نکرده ،  
چرا که اساس ترقی و تنزل عموم دول روی زمین  
امروزه بسته به تجارت است و بجهت تجارت داد و  
فریاد دارند ، در این چهار ساله بقدر ذره آمار  
نیکی و پیشرفت در تجارت ایران بهم نرسیده بلکه  
از ده سال قبل تجارت داخله ما تنزل کرده ،  
تخواه داخله بکلی منسوخ شده و می شود ، چند  
دلیل مختصر عرض کرده باقی را به قارئین اخبار  
وا میگذاریم که قیاس فرمایند ،

از عدم امنیت و عدم بار گیر کرایه ها هو  
به مقابل شده ، جزئی تجارت حنا در کرمات  
باقی بود که از بیم تا یزد کرایه دو بهار صد من



شانزده تومان بود امروز اغلب حنا هم که یکسال است بول نقد داده خریده اند در محل باقی است صد من چهل و سه تومان میدهند. بار گیر نیست، بانک انگلیس برات طهران بفرجه ۹۱ روز از تاجار خریده تومان هجده شاهی صرف میکرد بحساب نزول در سال صدی ۳۶ نزول میکرد هر چند روز بجهت اینکه نرخ همین حالت باشد هزار تومان تلگرافی بصرف بازده شاهی اعلاش نموده میفروشد، آنوقت ده هزار تومان بصرف نصد هینار می خورد، اگر تاجر داخله خواسته باشد از طهران بول نقد بکرامت با بست یا وارد نماید هر صره که دو بست و پنجاه تومان است ۳۸ قران کرایه بازده قران حق الضمانت بدعند که ۵۰ قران تخمین باید بدهد، لکن اداره بست از بانک هر صره دو بست و پنجاه تومان دوازده قران و نیم کرایه میکرد علاوه در موعدی نه قرار داده اند اگر نرسد تومانی یکشاهی روزانه از بست خانه جرم یا نزول میکرد، در بانک بول جدید الضرب هم بهرکس میدهند تومان یکشاهی نیم صرف میکینند، این اوقات سوارهای امنیه بخروز در بیاز بول بست را توقیف کرده که مواجب عقب افتاده آنها را بدهند، چون کابینه وزرای جدید دارای علم و حس و سن میباشد امید است در باب تجارت دحلله امدادی فرمایند که ترقی حاصل آید، از جوابهای که در این هفته بشرکای عمومی کرمان مرقوم داشته اند آنها را بلکه قاطبه تاجار را از عدلیه امیدوار فرموده اند که همین اوقات حساب عمومی صاف و حقوق شرکاء معین خواهد شد، سابقاً جواب که میرسید همان جوابهای رسنه بود که اقدامات شده و می شود چون فی الحقیقه مؤسین این شرکت مدیون مردم میباشد که ضمانت محنت را عوده اند لهذا اول آنها را برای حساب در عدلیه مرکزیه حاضر کرد، اند، هر گاه این امر بخوبی انجام آید اهالی مجدد حاضر اند همه جور شرکت دایر نمایند بلکه همراهی با دولت نماید این شرکت عمومی ضرب المثل مردم شده بهرکس تکلیف شرکت نمایند میگویند شرکت امنیه عمومی که ۱۷ نفر تاجر معتبر ضامن محنت آن بود نماید و و رای ماما کالی است، امضای دولت سابق معلوم

نیست برای ریاست دو روزه خود همه کوفه دشمنی با دولت و ملت و وطن خود داشته و چه قدر مرعوب اجانب بوده، گانه ثروت تمام مملکت را بیک صراف خانه خارجه تسلیم کرده از شهر حایه سرحد کسی واقف نیست.

هیچ تاجر ایرانی را بانک نمیکندارد بیک تجارنی یا قبض طبع نماید، حق مقام تاجار مملکت نیز هزار درجه از یهود خود را بست تر کرده که برات مهر آنها را بانک بدو بول سیاه نمیزرد باید یکی دیگر ضمانت نماید دو مهره باشد، یک بجمن تجارنی که در هفته یکروز نشسته گفتگوی اصلاحات تجارت خود را نمایند وجود ندارد، رئیس محاکم تجارت آید در وطن داشته باشد، تجارت وطن را ترقی دهد، صنایع را ترقی دهد، هر سال خروج و دخول امنیه خارجه و داخله را بداند، رفع بواقص را نماید، قوانین تجارنی مطابق تمام دول مابین تاجار حزی باشد، یک گفتگوی تجارنی که راجع به عدلیه و محکمه تجارت میشود، بالاخره بعد از مدتی گفتگو و استماع مهمات طرفین آنوقت میکویند، قبول داری مد، نداری قسم بخور فقط انتظار دارند احدی محکوم واقع شده ده یک بدهد، تاجار را باید مجبور نماید دفتر ویسی بد گرفته متدرجاً حساب و دفتر بقالی برداشته شود، صدقین از تاجار در مجلس مدعی شده با طرفین می جفتند، هنوز ذوع منها معین نیست از چه اساس باید باشد، امید داریم لامحاله وزارت عدلیه عدلیه را امدنی بگذارند از خیالات استعفا آورده شده باین خیالات عالیله به بردازد، و اشخاص عالم برای امورات تجارنی که اساس استقلال آتی دولت و ملت است معین فرمایند، آنها را در کیسبون مخصوص امتحان فرموده ماموریت دهند بی علم نه فوته کاردارد، اعتماد، وزارت تجارت باید حقوق حقه بانک ها را طبع نموده در تمام ایران انتشار داده که مردم بفهمند صرف بول چه معنی دارد، بقیه قران حسابی کهنه را آب کرده تمام بول و سکه دولت یکسان باشد، تاجار تومانی بیبنهای نیم صرف معامله می نمایند، بتمکاری و شال باقی، تومانی صد هینار میدهند نوبت را دو بانک میهند بول جدید میخواهند، از بعضی یک شاهی

نیم از بعضی صد دینار صرف میگیرند، قران کهنه مال هر شهری میزانی دارد بعضی بخشهای مثل سرخسی کسر می نمایند، بعضی تمام بعضی صد دینار کسر میشود، اگر اداره پست خانه پول امالت نجار را هم مثل پول امانت بانک هر دو پست و بجهت تومان در دوازده قران نیم کرایه می گرفت و به همان قسم همه جا با سوار سالم می رسانید، دیگر تجار بپاره تومان شش شاهی یعنی صدی سی و شش در سال زول و صرف نمیدادند، معلوم نیست نسبت برعیت داخله چه حساب دارند، اگر این عرایض خلاف واقع است تردید نمایند، اگر واقعیت دارد چرا زولت و حق رعیت داخله را بر باد میدهند؟ هر کس از ایرانی صد هزار تومان رات طهران فروشد در سال سی و شش هزار تومان آن را باید فرع با صرف تقدیم نماید، چرا؟ بجهت اینکه بانک پول نقد از طهران با پست وارد میکند صد تومانی بخران کرایه میدهد یکشاهی نیم از صرف چرخنی فایده دارد، سه قران و نیم کرایه میدهند، اگر از موعد معین دیر تر برسد تومانی یکشاهی روزانه از پستخانه میگیرند، رعیت داخله اگر بخواهد پول نقد بیاورد اولاً اگر مفقود شد دیگر نمیتواند بگیرد، اگر سالم رسید صد تومان را باحق الضمانه و حق بستن پست و دو قران باید به پست خانه دهد، اینها تکرار مطلب و اسبیه این است شاید یک نفر بجز ملاحظه نموده وضع حالت نجار داخله را بداند، میگویند اهالی ایران چرا از مشروطه انزجار دارند؟ چرا فقیر شدند؟ چرا قوه کار ندارند؟ چرا دلال خارجه شدند؟ چرا روح ندارند؟ چرا مدرسه ندارند؟ چرا اقدام باعمال خیریه ندارند؟ معدودی از اعضاء انجمن ایالتی باقی مانده، باقی خارج شده وکیل کرمان در دار الشورای معلوم نیست، چون چند نفر معین شده آنها معلوم نیست موجودند یا قبول نکرده، مریض خانه منحصر است بکشیش خانه، مدرسه ها که افتتاح شده بود یکی دو تا باقی آنها در شرف اضمحلال است، مدرسه کشیش ها را هم توقیف کردند، زیرا که دخل آنها با خرج وافی نبود، رئیس معارف چندی است بر املاک موقوفه فاعل آورد، مع السجالات چرانی دو

مساجد روشن شده، تصویر میبایند تا ماقبت آن معلوم گردد.

تازه اخباری بنام اخبار مرآت جنوب دایر شده امید است دوا می بهم رسد، البته تأسیس اخبار سرمایه میخواهد باید خریداران همت نمایند اغنیای این شهر رغبت بخواندن اخبار ندارند، بونج دو شهر کباب شده، رونج بد اگر باشد یکمن تبریز هفت هشت قران است.

بندول تبرک و نمک در نهایت سختی جاری است، با وجودیکه تخمین جنوب و شمال و مغرب و مشرق کرمان در هر طرف صد فرسخ نمک زار دارد، لاکن نمک سفید بی غلای در شهر نمک نیست سابقاً بچمن بکقران بوده اکنون یک من ۱۳ شاهی است آنها با خاک و یک من مخلوط، حکومت نان را ارزان کرده تاکنون یکمن یک قران و نیم بود اکنون یکقران و چهار شاهی شده.

سردار نصرت با امر ایالت بلوچستان رفته هنوز معلوم نیست با سرداران باعی بلوچستان چه خواهد کرد، در آینده اطلاع داده می شود مظلوم ترین ملت این حدود سرباز است که نان از خانه خود بر داشته سفر رفته است اگر روزی سی شاهی بدون کسر و نقصان به سرباز کرمان برسد، ممکن است ده فوج مرتب شده در مدت یک سال از سرباز روس و انگلیس بهتر خدمت نماید، دو مقام امتحان بر آید تا صدق آنچه نوشته شده ثابت گردد.

### ← خراسان →

( فاجعه ۱۹ ربیع الثانی )

چند روز قبل اداره بلیه ارض اقدس اعلانی در باب مالیات نواقل توزیع نمود و مجالس ضد این مالیات منعقد شد که این مالیات را متروک و ضمناً چند فقره پیشهاد بنظمیه نمود و حرف خود را پیشرفت دهند، قویترین این یک دو مجلس سری که بر ضد دولت حالیه منعقد شده بود مجلسی بود که بریاست شجاع التولیه که اغلب از اهالی ایرانش حرکات مشارالیه را دالسته و مسبوق باحوال اسف اشتغال وی هستند چنان که در دولسیون و قلعه اخیره مشهد جمعیت زیادی دور خود جمع

نموده و بر ضد دولت مشروطه اقدامها نمود تا این  
که میرزا رحیم نام که یکی از الواد حلیه  
مشهد و بعد از شجاع‌التولیه سر دستة این اجتماع  
بود به تبر کيفر مجامدین گرفتار شده و انشرا و متفرق  
شدند. بعد از آن که از طرف سرکز به خراسان  
نظمیه فرستاده شد ریاست نظمیه شجاع‌التولیه را که  
باز خیال افساد داشت گرفته و شباه مفضولاً بطهران  
فرستاد. قریب يك سال واندی در طهران توقیف  
حاقبت اعمال کاری بعضی از امانا مشارالیه را از مجازات  
خلاص نموده دوماه قبل بمشهد فرستادند که همواره  
مشغول فساد شده و باز حوامد شد \*

باری شب ۱۹ ربیع الثانی برادر همین شجاع‌التولیه  
در یکی از مغازه های واقعه در ارك دولتی مشهد  
به من عرق خرید و برای بلوایان مالیات نواقل  
حاضر نمود اگر چه مرده نمیدانستند و مسبوق  
نبودند ولی آمان که محال ایشان بصیرت نامه دارد  
و این خریداری عرق را دیدند فهمیدند که عنقریب  
بر ریاست و تحریک ایشان بلوا بلند و آتش فتنه مشتمل  
خواهد شد. تا اینکه صبح ۱۹ میرزا عباس نام  
برادر میرزا رحیم مذکور مت و لا یقل با  
جعی از زارعین و هیچ رعاع از طرف سراب و  
بالا خیابان که محل سکناي شجاع‌التولیه است بدروازه  
هجوم آورده و مامورین نواقل را که جلو دروازه  
موده اند برانند از آن جا جمعیت خود افزوده  
و پائین خیابان هجوم می برند که مامورین دروازه  
پائین خیابان را نیز زدند و متشرق سازند. چند نفر  
از پلیس های کیسری پائین خیابان بمانند برآمده  
مهاجمین به پلیسها هجوم آوردند و در پلیس را کشته  
و بجنفر پلیسرا مجروح نموده و دو نفر نیز از ماشا  
تیان را مقتول می سازند در این بین ایالت برای  
در قوسلخانه انگلیس مهیا بودند که بعد از آمدن  
ایشان را پیدا نمودند و تکلیف خواستند بر آوردند  
هر اقدامی که صلاح میدانید نماید. بعد از کشته  
و مجروح شدن چند نفر پلیس و اطرایان میرزا  
عباس مذکور که سر دستة اشرا بود هجوم مطهر  
رفته و بست می نشیند در این بین از طرف نظمیه چند  
نفر تفنگچی بمحابت پلیس به پائین خیابان رفته ولی  
بعد از مردن سراب نوش هارو بود. سپس  
از ایالت کت خواسته بودند فرمودند که من

خلیل عزز بکنم مواظب خودم باشم ،  
باری طرف عصر همین روز نشر پلیس های مقتول  
را بارک برد و با حضور تمام رجال و رؤسای  
ادارات برای بعضی ترتیبات و این واقعه اجلاس  
کردند. حاجی معاون التجار که در آن جلسه حاضر  
بود مقدار صد قبضه تفنگ و فشنگ  
داشتند بدولت فروخته و فوراً میان پلیسها و ژندارم  
ها تقسیم شد که شب آن روز فوق العاده از شهر  
مواظب باشند و هم قریب ۲۰۰ نفر از سربازها  
مامور شدند که در این شب میان کوچه و بازار  
شهر گردش نموده و در موقع به پلیسها و مامورین  
نظمیه کت نمایند. بعد از اجلاس صورت واقعه را  
فوراً بوزارت داخله بخاره نموده و تکلیف خواسته  
در جواب گفته شد که مساعدت نامه با نظمیه  
نموده و برای اخذ مالیات نواقل از فردا مامورین  
کافی جلو دروازه ها بگذارید که سخت گرفته  
و مالیات را اخذ نمایند \*

از طرف ایالت هم تلگرافی بدامغان رشیدالسلطان  
که ۲۰۰ سوار دارد بخاره شد. که فوراً بمشهد  
بیانند \*

بدبختی در این جا بود که نظمیه استمدادی که  
بتواند بکند از مهاجمین جلوگیری نماید نداشت. بعضی  
چندی قبل يك دستة از پلیسها با ژندارم بترت  
که شلوغ بود با تفنگ و فشنگ فرستادند. از طرف  
دیگر قریب ۳۰ نفر ژندارم مامور بلوک (شادیز)  
که در آنجا مامور تضمین را کشته بودند برای دستگیری  
قاتلین فرستاده بودند. از طرف دیگر رئیس قشون  
خراسان باعده سرباز که مسلح بودند بسمت درجن  
رفته بودند. بالاخره مشهد کلیتاً از استمداد دولتی  
خالی و اگر مهاجمین میخواستند تمام مشهد را  
زیر و زیر نمایند برای آنها جلوگیری نبود خصوصاً  
چند نفر از قزاقهای ایران که مسلح بودند با چند  
نفر از سوارهای شجاع‌الملک برای محافظت ایالت  
حاضر شده و در ارك بودند سوارهای امنیه هم  
اغاب بواسطه رسیدن مواجب استعفا داده و بیشتر  
هم مامور خارج شده بودند بطوری که گفته شد  
خسار هم کرد که مهاجمین خود بخود ساکت شدند  
و الا قوه برای اسکات آنها نبود.

ایالتی امور هم که ماشا الله هر چه تلگرافی از

طرف انجمن ایالتی و اهالت خراسان و اداره نظمیہ  
یا بنا میشود همه را امید آتیه میدهند. در همه  
جواب تلگراف ها می گویند که اقدامات لازمه  
خواهد شد و الآن مشغول مذاکره هستیم ولی افسوس  
که با همه این وعده ها یکی از نواقص را اصلاح  
نموده اند باز مثل سابق مواجب امنیه نرسد سوار  
ها که بواسطه بی مواجی استمنا دادند \*

باز اداره اطعمه بی ترتیب و ده قبضه تمذک  
خوب با فشک ندارد با این که فشکها در ذخیره  
طهران مانده و فاسد میشود. باز اداره قشون  
مثل سابق بدون مواجب و جیره است. افسوس  
که این قبیل نوشتن ها مورت تبیبه خارجه از امور  
و خرابی مملکت ما میشود و الا اولیای امور این  
گونه مطالب را دانسته و برای اصلاح این فاسد  
و نواقص اقدام نخواهند کرد تا اینکه کار از کار  
گذشته و درد ایران بی دوا خواهد شد. یکسال  
تمام است که از اداره قشون بطهران می نوبند  
که یک دست موزیک برای مشهد فرستد که موزیک  
قدیم همه شکسته و اسباب افتضاح است. جواب  
حزاقدمات لازمه خواهد شد دادند. افسوس !!

( اخبارات مراکو )

§ بموجب خطیکه از فاس بطریق ( سویا )  
آمده اروپائیان تماماً باس عربی پوشیده در قونسل خلمای  
دول منحصن گردیدند. سه روز است منحصن  
قونسل خلمای بواسطه ناامنی شهر خارج نمیتواند شد  
و نزدیک است که آذوقه قونسل خلمای تمام شود \*

§ وزیر خارجه فرانس در بیانات خود ایجاب  
داده که میجر بریند زید و دوازده میل  
شهر فاس است. قشون کاسا بلکا که ما منهای  
سرعت حرکت نموده هنوز بجسای میل دور از  
شهر فاس است \*

§ بطریق رسمی اظهار شده که میجر بریند  
۲۴ اپریل وارد فاس گردید \*

§ بموجب تلگراف رباط قبایل اعراب شهر ( میکونین )  
را در تاریخ ۱۹ قبضه نمودند و چنان ظاهر میشود  
که بهودیان آنجا بول زیادی داده و صلح نموده اند \*

§ بموجب تلگراف ۲۳ حمله جدیدی بشهر فاس  
نشده و هیچ مستنادهای خود که بین قبایل اعراب  
اختلاف واقع گردیده است \*

§ بموجب خبر نیم رسمی برلن دولت فرانسه  
در اقدامات خود که برای حفظ افسران و رعایای  
اروپائی نموده ملزم نتواند بود. امید چنان است  
که دولت فرانسه در اقدامات خود مخالف با عهد  
نامه الجزیره حرکت ننماید و اگر دولت فرانس  
تجاوز از عهدنامه مزبور نمود سایر دول نیز در  
اقدامات خود شان ملزم نخواهند بود. اخبار مذکور  
مینویسد که تا کنون فرانسه از مواد عهد نامه  
تجاوز نموده که سبب دسات دیگران تواند گردید.

§ وزیر خارجه انگلستان در پارلمان اظهار داشت دولت  
فرانسه دولت انگلیس اضلاع داده اقدامات وی در  
محافظه افسران خود و اهالی اروپا هیچگونه تغییرات  
سیاسی در فاس پیش نخواهد آورد و از اینرو  
دولت انگلیس لازم نمی داند که در اقدامات  
فرانسه در مراکو عذری پیش نماید \*

§ بموجب تلگراف تأخیر در ( القدار ) قشون  
عربیکه تحت امران فرانسوی بوده علی مخالفت بر  
افراشته وغالبشان فرار و انکار نموده اند از اصاعت  
امرات فرانسوی. ازین رو قشون فرانسه از  
کاسابلنکا و رباط روانه شده و قبایل اعراب  
صربی اعلان جهاد داده اند \*

§ سزیر فرانسه در ( فاس ) خبر میدهند که  
۳۰ اپریل قلاع و استحکامات شهر ( فاس ) تکمیل  
یافت. ولی قبایل اعراب که در شهر توقف دارند  
اطهار ناراضی می نمایند. و بعید نیست که قلع  
آذوقه سبب بلوای عمومی گردد. قورخانه سلطان  
قریب الاختتام است. از این رو سلطان قشون  
فرانسه را سریمای بجانب ( فاس ) طلب نموده است.  
§ بمجرد رسیدن ( میجر بریند ) در ( فاس )  
قشون سلطان نیز با او معیت نموده بر قبائل اعراب  
حمله برده و با نقصانی زیاد آنها را عقب نشانند  
خیلی محتاج به آذوقه و قور خانه میباشد. قشون  
فرانسوی و قشون که تحت امر افسران فرانسه  
میباشند بواسطه حصول آذوقه و تکالینی که در  
این باب پیش می آید خیلی به کندی پیش می آیند

§ بموجب خبریکه از ( فاس ) بیاریس رسیده  
( میجر بریند ) ۲۶ شهر اپریل وارد ( فاس )  
گردید. و از همراهانش ۳۰ نفر مقتول و منقود

گرددند. تا کنون قبائل اعراب سر تسلیم خم نکرده اند و راه (تاجبیر) مسدود است. هر (مقزن) (۴۰۰۰) قشون رسمی و (۲۰۰۰) غیر نظامی موجودند و دو صد حمله بر (میکویند) میباشند.

§ قشون کسکی فرانسه بعد از زیادی راه به جانب موراگو می شود.

§ بموجب خبر (تاجبیر) قبیله (بن اسیر) شهر (فاس) حمله برد و پس از (۸۰) نقصان عقب نشسته اند.

§ بموجب تلگراف پاریس خبریکه از (فاس) رسیده خیلی خطرناک است از این رو (جنرال مویر) را امر شده که با منتهای عجله حرکت باید. این اردو تا حین ضرورت شهر را تصرف خود خواهند داشت. و چنان مستعاض می شود که این اردو تا چهار شب به با بختبه وارد (فاس) شود.

§ کرنل مویر ریاست قشون را دمه گرفته بحساب فاس با اردوئی که ۷۰۰۰ میباشد رهپار گردید.

§ بموجب خبر تاجبیر اوضاع فاس خیلی تشویش آراست دول کرنل مانحن اگر کنترل برولارد بارود تا ۱۵ وارد فاس نشود کار تمام خواهد شد. کرنل (برولارد) تاریخ چهار دم از ساعت سه شب الی ساعت ده روز دیگر با اعراب جنگ سخت نموده، چهارجهاز دیگر برای روانگی قشون به مراگو در مارسلس گراه شده است.

§ قشون فرانسه تحت افسری (کرنل برولارد) از (الکونیترا) بحساب (فاس) روانه گردید. اهالی از دو طرف اردو اماکن خود را گذارده فرار نمودند و هر قدر کرنل موصوف خواست آنها را اطمینان دهد و عودت به اماکن شان دهد فایده نه بخشید. در نواح رباط اعراب دوست و هشاد مواشی را از اردوی فرانسه غارت نمودند.

§ در اردوئیکه به افسری (کرنل برولارد) میباشد هشت بتالین پیاده و چهار اسکوادرف سواره و چهار توپخانه با لوازم حمل اقال شامل اند. (کرنل گوررد) افسر قشون امدادی است.

§ بموجب تلگراف پاریس بین اعراب و اردوی کرنل (برولارد) جنگ شدیدی پیش آمد و توپخانه اعراب را عقب نشانده است. با این

از بواسطه اشکالاتی که برای حل اقبال اردو در پیش آمده اردوی فرانسه از (کاسا بلنکا) تا (فاس) کمتر از ۱۵ روز نتواند رسید.

§ بموجب خبر (فاس) قشون (مبجر بریمند) با قورخانه مختصری وارد (فاس) گردیدند. هفت روز کامل با اعراب که برخلاف قاعده کمال سعی را داشتند و مکرر خود شانس را به توپخانه رسانیدند جنگیدند. از این رو قشون وی خیلی کوفته و خسته اند.

§ راپورتهایکه به آلمان و فرانسه در موضوع اغتشاشات (فاس) رسیده مخالف یکدیگر است. فرانسه ما چنین ابضاح نموده اند که سلطنت خواهش نموده سربعاً قشون فرانسه وارد (فاس) شود که حال آنجا خیلی رو بخیرانی گذارده است. ولی خبریکه در (برابن) اشاعت یافته است که آلمانیان در (فاس) بکمال امنیت و آرا می اند. و هیچ وجه آثار قحط و علا ظلم نیست.

§ ابضاحی که به برلین در اوضاع (فاس) رسیده قشون فرانسه باید به (فاس) برود. ولی پیش از سه روز توقف نموده معاودت نمایند.

§ قشون اسپانیا در (سیونا) بین راه (بتوا) دو نقطه مهم را قبضه قلاع و استحکامات درست کرده است.

§ بموجب تلگرافیکه از رباط باسپانی رسیده بمقامات فرانسه و بدرقه اردوی وی متصل حمله میشود. هزار نفر از قبیله (کی بالیس) به اردوی (جنرال مویر) در نواح (سالی) حمله نموده اند. پس از زد و خورد بسیار عقب نشسته اند.

§ بموجب خبر (تاجبیر) قشون ساخلوی (فاس) از شهر بیرون آمده. حمله به بلوآنیان نموده است. چنانچه بلوآنیان عقب نشسته و استحکامات آنها را متصرف شده اند.

وزیر جنگ فرانسه علت تاخیر حرکت اردو چنین اظهار داشته که چون می بایست این اردو

دو سه نفر از قشون فرانسه بفرار شده بودند .  
مذاکات اردو از حرکت باز نیامد و اطراف  
رود خانه ( سیبر ) بین قشون فرانسه و اعراب  
هماره مختصر زد و خوردی پیش می آید . در  
( مهدیه ) بر ذخیره اردویی فرانس از طرف  
اعراب حمله شد . ولی توجیحه فرانسوی با قشون  
اسپانی متحد شده اعراب را پراکنده نمودند \*  
( اخبارات عثمانی )

§ بموجب تلگراف اسلامبول بلوایان البانی  
پس از سکوت چند روزه در اطراف شهر ( طوزی )  
حمله برده قشون عثمانی آنان را عقب نشاند .  
تصانعات قشون کم بود . ولی خساره بلوایان  
عبر معلوم است \*

§ بموجب تلگراف جدید در ( السجا ) بین  
قشون عثمانی و اعراب بانی جنگ شدیدی واقع و  
پایان شکست فاحش یافته . و چهار توبی که از  
عثمانیان گرفته بودند دوباره قبضه قشون عثمانی در  
آمد . قشون ( کرنل رضایی ) و حران استیلا  
یافته . اعراب بمحاصرتشال پراکنده و فراری  
شده اند \*

§ بموجب تلگراف ( سندی ) بای تخت جبل  
اسود ( ادم پاشا ) با پنج ستالین که از ( گوسنجی )  
به شهر ( طوزی ) میرفت . بلوایان در دره باوی  
دو چار شده نقصان سخت یافتند و مجبوراً عقب  
نشسته . سپس بشهر ( طوزی ) حمله نمودند .

§ بموجب خبر ( اسلامبول ) وزیر مالیه عثمانی  
استعفا نمود . و سایر وزرائی که از خراب اتحاد و  
ترقی اند نیز استعفا خواهند نمود . و علت این  
استعفا عدم تجانس و اتحاد وزارت از این رو  
معلوم می شود که خراب ( کرمروپ ) حکومت را  
در قبضه خود نگاه خواهد داشت .

§ بموجب تلگراف اسلامبول شریف مکه برای  
سرکوبی پایانی ( ۱۵۰۰۰ ) نفر وارد در ( لته )  
گردیدند . و اندک اندک قبایل اعراب بشریف مکه ملحق  
میشوند . بین قشون عثمانی در ( لته ) و بای  
قبضه شیوع یافته است .

§ از خبر اسلامبول ظاهراً می شود که قشون  
عثمانی قلاع محکمه را از قبضه پایانی بیرون آورده

ورفته رفته اعراب متواری میشوند . چنانچه در تمام  
ولایت امنیت کافی السابق برقرار و آوی از بلوایان  
دیده نمیشود .

§ بموجب خبری که شریف مکه از اسیر داده  
مشغول مصلح ذات البین و تدابرات لازمه میباشد  
و جناب خبر داده که بسیاری از قبایل  
اعراب بانی سر اطاعت خرم نمودند و تسلیم شده اند \*  
§ باصالی چند روز قبل دول محافظ جزیره  
کریت را اطلاع داد . رد که مفق و قاضی جدید  
برای کریت خواهد استاد . چرا که مفق و قاضی  
های موجود نمیتواند بوظائف خویش عمل کنند  
چه اهالی کریت آنها را مجبور بقتل خوردند  
بمحابت پادشاه یونان کرده اند . دول محافظ این  
را امضاء نموده بودند ولی بواسطه مخالفت اهالی  
کریت دول مزبور از باصالی خواهش نموده اند  
که فرستادن مفق و قاضی را موقتاً موقوف دارد .  
اهالی اسلامبول از این خبر خیلی ملول و افسران  
قشونی منگوبند که دول محافظ با استقلال تمام  
وقرار نموده و این امر بر با بکوت امتیه یونان  
خواهد افزود \*

§ بحسب خبر رسمی ادم پاشا بلوایان البانی  
را بعد از جنگ سخت شکست فاش داده . جبل  
نمر از قشون ترکی نقصان شده و تلفات بلوایان  
را خیلی بیش می نویسند \*

### ( واقعات مکزیکو )

§ رئیس بلوایان ( مکزیکو ) بارئیس هیئت  
صلحیه ملاقات نموده شروط ابتدائی صلح را تصفیه  
کرده اند .

§ بموجب تلگرافات ( واشنگتن ) موده عهد  
نامه انگلیس و امریکا عنقریب تکمیل خواهد شد .  
§ ارضاع مکزیکو همه روزه کسب و خاتم میباشد  
اخبار اینکه میرسد گاهی خبر از جنگ و گاهی صلح  
صلح بشارت میدهند . رئیس بلوایان ( جننا ) را  
خواهش اینست که رئیس جمهوری ( مستر دالیند )  
استعفا دهد و تربیات ضروریه پلتیکی بشود بواسطه  
ضعف قوای پلتیکی و قشون ( مکزیکو ) اهالی  
( واشنگتن ) مشوش شده اند .

§ رئیس جمهوری امریکا ( مستر تانت ) و کبسیون  
خارجیه دار الشورای متفق اند . که در موقع

ضرورت برای محافظت خارجیان دخالت در امور داخلی مکزیکو لازم است، تا دول سایر را بر حسب عهد نامه (منرو) موقع مداخلت پیش نیاید.

§ بموجب خبر (واشنگتن) سفیر امریکا در (مکزیکو) خبر از خرابی (اکابلکو) داد، اهالی را چنان عقیده بود که دسته جہازات بحری بران صوب گسیل خواهد شد، ولی پس از مباحثه وزراء چنان تصدیق یافت که دخالت در امور آن نمایند و نباید دسته جہازات را بجانب (سکس) روانه نمود.

§ رئیس جمهوری امریکا را عقیده است که تاوقتی که از مصالحت و مسالمت مکزیکو مایوس نگردیده دخالت در امور داخلی آن جائز نیست، § از خبر (مکزیکو) معلوم می شود که (سینور مدیرو) گفتگوی صاحب حکومت (مکزیکو) را موقتاً با بلوایشان شکسته.

§ (سینور مدیرو) از خوف تهیج امریکا قشوق خود را از سرحد عقب برد، است، و اراده وی از طریق جنوب حمله و دار الاماره (مکزیکو) است، رئیس جمهوری (مکزیکو) مستر دایتند اعلان نموده که بمجرد قیام صلح از عهده خویش متعنی خواهد گردید.

§ بموجب خبر (الپاسو) بلوایشان (مکزیکو) شهر (جوریس) را قبضه نموده اند.

§ در (جوریس) بلوایشان (مکزیکو) حکومت موقتی مقرر کرده و پای تخت خویش قرار داده اند.

§ بموجب تاگراف (خوزر) پنج روز جنگ در مکزیکو برای انجام صلح موقوف شده است شرایط صلح را جمهوری مکزیکو پیش نموده من جمله شرایط آن استعفای رئیس جمهوری مستر دایتند و تائب آن مستر کورال و نیز موقتاً رئیس جمهوری شدن سیدوردیلارا شامل در آن است.

§ هر زمان که رئیس جمهوری (مستردایتند) استعفا بدهد (جنرل میدیرو) صلاحکار حکومت برقرار خواهد آمد وقتی که از مجلس وزراء گفتگوی استعفای رئیس جمهوری (مستر دایتند) مینشاید شد عالم غم افزائی بر اهالی ظاهر گردید.

رئیس جمهوری بواسطه مرض در بستر اوقاتاده اوضاع دیگر بود، مشار الیه از (مکزیکو) خارج نخواهد شد، اهالی خیلی خواستگار صلح اند، چه کارها رفته رفته دارد خراب می شود.

§ سفرای دول در (مکزیکو) مشوره نموده، تصدیق کرده اند که در موقع ضرورت امریکای برای محافظت مال و جان خارجیه لازم است مداخلت نماید.

§ شهر (جوزر) را که بلوایشان (مکزیکو) قبضه نموده اند کمال اهمیت را دارد چه بموجب عهد نامه تجار امریکا بدون هیچ مانعی اسلحه برای فروش وارد می نمایند.

§ اهالی شهر (کینا) تسلیم به بلوایشان (مکزیکو) شدند.

(معاهده چین و انگلیس منباب تجارت تریاک) § منباب مشتمله تریاک بین چین و انگلیس عهد نامه بشروط ذیل دستخط شد.

(۱) دولت چین زراعت تریاک داخله خود را بر حسب کمی که در فرستادن تریاک هندوستان می شود تخذیف خواهد داد، که تا سال ۱۹۱۷ ع توام زراعت و تجارت تریاک موقوف گردد.

(۲) دولت انگلیس متعهد شده است که قبل از مهیاد مذکور تجارت تریاک را در چین موقوف دارد، مشروط بر اینکه زراعت تریاک در چین موقوف شود.

(۳) تریاک هند بمقامیکه زراعت تریاک را دولت چین موقوف نموده فرستاده نخواهد شد، ولی دوبندر شنگائی و کانتان بعد از جمع نقاط چین فرستادن تریاک را موقوف خواهد داشت.

(۴) برای تحقیق قلت زراعت دولت انگلیسرا از چین ۴۸ گونه تأییدات داده خواهد شد.

(۵) همین قسم دولت انگلیس تأیید خواهد نمود، چین را در تحقیق کمی تدارک تجارت تریاک هندوستان.

(۶) دولت چین نظر بر اینکه مینخواهد مالینائی بر زراعت تریاک داخلی خود بگذارد، لذا دولت انگلیس رضا داده است که بر هر صندوق از تریاک هند (۳۵۰) سکه تیل گمرک قرار دهد.

(۷) دولت چین در جله فروش تریاک هند

بمانتی که نموده بود مرتفع خواهد داشت، و هرگاه نیز دولت چین هم در بنادر داخله خود باید مالیات تریاک را موقوف خواهد داشت. و نه دولت انگلیس بای بند بمواد این عهد نامه نخواهد بود.

(۸) مقدار تجارت تریاک هند در چین در سنه (۱۹۱۱ ع) سی هزار و شصت صندوق خواهد بود و هر ساله (۵۱۰۰) صندوق از مقدار آن خواهد کاست. و این صندوق را رسماً دولت مهر و موم خواهد نمود.

(۹) این عهدنامه را دو تن برضایت طرفین ترمیم خواهند نمود.

(۱۰) تمویل مواد این عهد نامه فوری است. در (هوکنگکوک) و سایر مادر تریاکهای موجوده در ابارها را فهرست خواهند گرفت. تا هفت روز تریاکهای موجوده را به گمرک اولیه وارد نمایند نمود. بعد از دو ماه کسیکه سند بیع و شرای تریاک نگرفته اند اجازه داده نخواهد شد. علاوه در هر سال یک ثلث از عده سند بافتگاف فروش تریاک کاسته خواهد شد.

ممکن است که کونگره شورای دول میناب تریاک مسال بشود.

§ در نامه طمس می ویسد عهد نامه جدیدی که میناب تریاک باجس شده به باید آنها به رأی هندوستان اکتفا نمود. بلکه لازم است عقاید نهار هند را نیز دریافت کرد چه این مسئله بر مابذات هندوستان از کلی تواند بخشید. اثری که برای ما دارد اخلاقی است ولی اثری که هندوستان عابد می شود مالی است. میزان خرج و دخل هندوستان از موقوفی این تجارت زیر و بالا خواهد شد. و مجبوراً برای حال این مالیات جدیدی را باید ماری نمود. این امر را باید ما مسلم داریم که در موقوفی تجارت تریاک دولت انگلیس و جوادمی بزرگ پیش خواهد آمد حصه در معامله راجوات هندوستان. آیا دولت انگلیس در این نقصانی هند حصه خواهد گرفت یا نه؟ دولت چین در آزادی علامها و اسداد بازارهای علام فروشی نواب میدهند. آیا دولت انگلیس با راجوات هند بطریق بی رحمانه سلوک خواهد نمود؟ § بموجب خبری صکه از (هیگ) رسیده

شورای تریاک امسال قطعاً منعقد نخواهد شد \*  
 § اخبارات خارجه

§ بموجب تلگراف (بیکن) دولت چین اعلان تشکیل وزارت خانه ما و تکبک آنها را انتشار داده است.

§ صدر اعظم انگلستان اظهار داشته که پس از گذشتن قانون تحدید اختیارات مجلس اعیان بود چه جمع و طرح مملکت به پارلمان تقدیم خواهد شد. لاردر کرزن باز نمود که قانون اصلاح مجلس اعیان را لاردر لندون هشتم می پیش خواهد نمود. علت تاخیر هانااعلات لاردر موصوف بوده است \*

§ بلوایان چین سازگی سه شهر را قبضه نموده مدوا ما قشون رسمی دولت در (فتشام) جنگ سختی کرده اند. یک از چهارت چین بر بلوایان شلیک نموده دو بیست سر را قتل رسانیده است. سیم تلگراف را بلوایان قطع کرده اند \*

§ وایعهد آلمان مازوجه محترمه شان در اواسط می ملاقات امپراطور روس را خواهند نمود.

§ مسوده قانون بدوهای روس پیش رسیده که از مصارف حکومتی شعبه راه آهنی در جنوب (سانبریا) تعمیر شود. تا راه آهن (ناشقد) برای آهن (سانبریا) الحاق یابد.

§ بموجب تلگراف (هیگ) بین دولت هولاند و چین عهد نامه جدیدی دستخط شده است. بموجب این معاهده قونسلات چین در خاک هولاند قیام خواهند نمود. و برحسب قانون هولاند با آنها سلوک خواهد شد.

§ بموجب نگارش (دیل تلگراف) مقابله تعمیر کشتی های جنگی دولت روس عنقریب با کپانی فرانس و انگلیس سته خواهد شد \*

§ بموجب تلگرافیکه از حبشه به (ایتالیا) رسیده وایعهد حبش (لاج جیدوونا) به لقب امیر الطوری نامبر دارگردید و مملکت در کمال آرامی و امنیت است \*

§ بموجب خبر پتر سبرگ دولت روس اصلاح نموده است که در کنتان و کوئو قونسلات جدید بر قرار خواهند شد واز هنگکانگ ونوجو قونسلات روس بر داشته خواهد شد \*

§ بموجب تلگرافی که از پاریس به طمس رسیده



(۱۵۰) نفر از وکلاء مجلس شورای فرانسه یادداشت به مجلس شورای ملی پیش نموده اند که باید قانوناً تدارک ورود و خرید و فروش تریاک در فرانسه بشود. چه در اطراف صلاح خانه بھری بر عدد و اقور خانه ها می افزاید، حق در شهر پاریس هم و اقور خانه موجود است، کشیدن تریاک خیلی مضرت و نقصان دارد استعمال تریاک فقط باید منحصر بادوبه جات باشد \*

§ ولیعهد آلمان و زوجه محترمه شان وارد پتسبرگ گردیده و ببعهد روس و زوجه شان با منتهای گرمجوشی مہمانان عزیز را استقبال نموده پذیرائی کردند \*

§ دارالعلوم کبریج عنقریب خطاب اعزازی به نواب والا آقای سلطان محمد شاه آقا خان خواهد داد \*

§ اخبار (روس) می نویسد پس از آنکه مراسله رسمی فرانس منباب اقدامات وی در مراکو با لمان رسید، بین آلمان و روس نیز مراسله جاری شد، و تصدیق نمودند که اقدامات فرانسه در (مراکو) عینی بر بدنیق نیست و هیچوجه فرانسه اراده ندارد مخالف با معاہدہ (انجزیره) رفتار نماید، روز نامه مذکور اظهارات مسرت از این اتفاق رای می نماید \*

§ امپراطور آلمان با زوجه محترمه و دخترشان وارد (شویس) شده بحجاب اندک حرکت نمودند برده از روی محبت ملکه و کتوریا برداشتند امپراطور آلمات از پذیرائی صمیمانه اهالی انگلند اظهار تشکر نموده و جرائد آلمات نیز خیلی ابراز مودت و دوستی با انگلیس می نماید \*

§ اعلان نیم رسمی (پتسبرگ) افواہیکه منباب اتحاد روس و ژاپون در باره چین شده بود تکذیب می نماید، و مینویسند مسلک روس امروزه در مشرق الاقصی اینست که حالت موجوده بر قرار ماند، و اتحاد روس و چین کاکاٹ قائم است \*

### بوشهر

از اقدامات حکومت جلیله بنادر گرفتاری و حبس مصباح دیوان حاکم سابق عباسی است، این شخص مطابق النعل مستبد اکبر دریای

و قنار می نمود و هر روزه اغتشاش می کرد و خرج تراشی رای دولت مینمود، از جمله خلیاتهای او یکی این است که هر ماه بتقلب و دسیسه ماهی دو هزار تومان از گمرک براسی خرج تنگبوی و جالو گیری از حسین کله کن مصنوعی میگرفت و هزار تومان دیگر هم منت ابواب جمع دولت می نمود، قضیه حله اشراو در شش ماه قبل بر دریا بیکی و محصور نمودن او از عباسی هم از دسیسه او بوده است، فعلاً از کفایت و همت شخص کافی موقر الدوله گرفتار و بدوٹ تذب محبوس است و دستش از شرارت و فساد کوتاه گردیده، رئیس دمیہ بوشهر جناب میرزا عبد الله خان اعضاد حضرت را وقتاً بحکومت عباسی منصوب و در همین هفته راهپار صوب مقصود شدند، از کنایت این شخص محتجن وطن خواه امیدواریم با کمال جدیت و معقویت مشغول نمیشد و انجام اوامر حکومتی شود و از دسایس یعنی عالم نمایان مداس که هم قسم و هم خیال با مصباح بوده اند و همچنین از بعضی مفسدین عمه دریا بیکی که در آنجا اقامت دارند برهیزر نموده ایشان را راه دخالت ندهند و همان نقشه که حکمران بنادر داده رفتار نمایند.

جناب آقای میرزا محمود خان امین مالیه بنادر نیز برای تصفیة عمل مالیات حسب الحکم حکمران به لشک تشریف بردند، ظن غالب این است که ایشان را نیز بحکومت اتکه منصوب فرمایند و الحق از این حسن انتخاب استقبال آتیه بنادر نورانی است و عموم اهالی بنادر شاد و مرفه الحال اند، ناخوشی طاعون روزی دو سه نفر را هلاک می نماید ظالی فرار نموده اند احتمال می رود صورت گرما باعث رفع این مرض مزمن گردد.

### قونسول عثمانی استعالت شد

تہاجم تو بیجان ابوالوردی بر قونسولخانه عثمانی در بوشهر و شہادت معاون نظمیه و یک نفر پلیس دو آنجا مورد کدورت خاطر قونسول عثمانی سید ضیاء بیگ گردیده از آروز دیگر در قونسولخانه نیامده و تذکرہ عبور نمیداد، تا آله مقصرین تو بیجان گرفتار و محبوس گردیدند، روز هفتم جادی الاولی جناب موقر الدوله حکمران و جناب سمدالسلطانت کار